

## لازمه جلوگیری از تجزیه عراق، تشکیل دولت فراگیر و ائتلافی است!

اعلامیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

صفحه ۲



## تیم ملی فوتبال ایران افتخار آفرید!



تیم ملی فوتبال میهنمان در ۲۱ ژوئن مطابق با ۲۱ خرداد در چارچوب بازیهای جام جهانی به مصاف تیم ملی آرژانتین، تیمی صاحب نام و از مدعیان قهرمانی جهان رفت.

بازیکنان پرتلاش تیم ملی ایران با هدایت مربی کاردان خود بازی حساب شده ای را به نمایش نهادند. تیم ایران با دفاع فشرده و با خلق موقعیت های خطرناک روی دروازه حریف، بویژه در نیمه دوم، تا نزدیکی فروریختن دروازه آرژانتین پیش رفت.

داور یک پنالتی به نفع ایران را قضاوت نادرست نمود تا یک شانس جدی ایران برای رسیدن به گل به هدر رود. در نهایت لئونال مسی در دقیقه ۹۱ گل پیروزی تیمش را وارد دروازه ایران نمود. با وجود باخت، بازی خوب و غیرمنتظره تیم ملی ایران در مقابل تیم صاحب نام آرژانتین، باعث تحسین مفسران ورزشی و موجب افتخار ایرانیان شده است.

بازیکنان سخت کوش تیم ملی با وجود عدم پاسخ گویی مناسب به نیازهای تیم ملی و محدودیت امکانات توانستند با یک بازی حساب شده و مایه گذاشتن از جان و دل برای مردم ایران شادی و افتخار بیافرینند.

این موفقیت بزرگ را به مردم ایران، بازیکنان، مربیان، کادر فنی و همه کسانی که در این موفقیت سهم داشته اند صمیمانه تبریک میگوئیم. برای تیم ملی فوتبال میهنمان آرزوی موفقیت های بیشتر را داریم.

گروه کار جوانان سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت

## استراتژی سیاسی برای گذر از استبداد به دمکراسی - استراتژی تحول طلبی\*

صفحه ۵

در این شماره می خوانید:

حقوق بشر در منگنه  
پیشرفت دیپلماتیک و  
بن بست سیاسی

عبدالکریم لاهیجی

صفحه ۸

حضور «داعش» و حقوق  
زنان

فهمه تفسیری

صفحه ۹

آزادی بازار به سود  
قدرتمندان است

روبرت رایس

صفحه ۱۵

روابط حکومت اقلیم  
کردستان و ترکیه

صفحه ۴

رنج ما کجا و رنج آنها کجا؟

نرگس محمدی

صفحه ۶

نگاهی به کارگران کوره  
پزخانه ها

صفحه ۷

## از برنامه سازمان مصوبه کنگره سیزده

نیروهای اجتماعی تحول در گذر به جامعه مدرن، از استبداد به دمکراسی، از دولت دینی به دولت سکولار و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی و سکولاریسم عبارتند از:

طبقات مدرن جامعه (طبقه کارگر صنعتی، طبقه متوسط جدید و کارفرمایان صنعتی)، جنبش های اجتماعی (جنبش اعتراضی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش حقوق بشر، حرکت ملی - قومی) و نهادهای مدنی و نیروهای سیاسی (نیروهای چپ، دمکرات، لیبرال و نیروهای مذهبی سکولار).

تلاش برای نزدیکی نیروهای جمهوری خواه دمکرات و سکولار، اتحاد وسیع این نیروها و تقویت نقش آن، در مرکز ثقل سیاست اتحادهای ما قرار دارد.

تحقق برنامه ما در کوتاه مدت و به طور ضربتی امکان پذیر نیست و نیازمند کار سیاسی، فرهنگی و نهادسازی است.

از نظر ما دستیابی به دمکراسی با کاربست و پایبندی به شیوه های دمکراتیک امکان پذیر است و ما در فرآیند مبارزه برای دستیابی به اهداف برنامه، برای تامین حقوق بشر، آزادی بیان، مطبوعات، گردش آزادانه اطلاعات، آزادی فعالیت احزاب، سندیکاها و اتحادیه های کارگری و سازمان های غیردولتی و عقب نشانیدن رژیم حاکم در این و یا آن عرصه مبارزه می کنیم.

وجهی از استراتژی سیاسی ما، مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد است. انتخابات آزاد شعار فراگیر و پوش دهنده نیروهای مخالف و منتقد است.

از نظر ما انتخابات آزاد راه مسالمت آمیز، متمدنانه و کم هزینه گذر از استبداد به دمکراسی است.

ما بر تدوین قانون اساسی جدید توسط مجلس موسسان بر پایه منشور جهانی حقوق بشر و ضامین آن تاکید داریم. مضمون و ساختار سیاسی دولت را قانون اساسی تعیین می کند.

پیشنهاد ما به مجلس موسسان، جمهوری مبتنی بر دمکراسی و سکولاریسم خواهد بود که مضمون و ساختار سیاسی آن در برنامه ما آمده است.

## لازمه جلوگیری از تجزیه عراق، تشکیل دولت فراگیر و ائتلافی است!

عروج داعش در عراق در زمان کوتاه و تصرف "موصل"، "تکریت" و مناطقی در استان‌های صلاح‌الدین و دیاله و پیشروی به سوی بغداد، بهت و حیرت همگان و نگرانی جدی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی و کشورهای هم‌جوار از جمله ایران را موجب شده است.

داعش (دولت اسلامی عراق و شام) افراطی‌ترین و بی‌رحم‌ترین جریان اسلامی است و هدفش برپایی "امارات اسلامی" و "رهائی از فرهنگ غرب" است. داعش جریانی تاریک‌اندیش و به غایت ارتجاعی است. داعش بعد از تصرف هر منطقه نه تنها نیروهای امنیتی بلکه شیعیان، مسیحیان و پیروان دیگر مذاهب را می‌کشد و احکام شرعی بی‌رحمانه‌ای را به فوریت به اجرا می‌گذارد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که مردم به خاطر امتناع از حضور در نماز جمعه، به زیر شلاق کشیده می‌شوند. داعش با کاربرد واژه شام که منطقه گسترده‌ای از کشورهای عربی و اسرائیل را شامل می‌شود، به قلمرو خلافت بنی‌عباس اشاره دارد. "امارات اسلامی" به معنی بازگشت به قلمرو و دوران اقتدار خلافت عباسیان است.

اکنون داعش با تصرف سلاح‌های مدرن ارتش متواری عراق و با صدها میلیون دلار به غنیمت گرفته از بانک‌ها، بر توان خود برای تصرف سایر مناطق عراق افزوده و مشکل تامین سلاح و منبع مالی در جنگ علیه دولت اسد را برطرف کرده است. گفته می‌شود داعش ثروتمندترین گروه تروریستی است. داعش در صورت تصرف قدرت سیاسی در عراق، به چاه‌های نفت و منابع درآمد آن دسترسی پیدا کرده و دولتی خشن‌تر و بی‌رحم‌تر از دولت طالبان (نیمه دوم دهه ۱۹۹۰) برپا خواهد کرد. دولت بنیادگرای اسلامی در صورت تشکیل در عراق، به یک خطر جدی در خاورمیانه و به کانون صدور تروریسم تبدیل خواهد شد.

خطر داعش فرامیزی است و داعش تنها در مرزهای عراق و سوریه متوقف نخواهد ماند و به اقدامات تروریستی و نظامی در کشورهای دیگر روی خواهد آورد. داعش ایران را تهدید کرده و اعلام نموده است که: "بعد از تخریب" نماد شرک آلود در نجف، کربلا و سامرا" در عراق، به ایران خواهیم آمد و مشهد ایران را با خاک یکسان خواهیم کرد."

زمینه‌های شکل‌گیری قدرت گرفتن داعش بیش از همه به حمله نظامی آمریکا به عراق و درهم شکستن ماشین دولتی عراق توسط آمریکا در شرایط ضعف مفرط جامعه مدنی و فقدان احزاب سیاسی در عراق، حمایت مالی و تسلیحاتی برخی دولت‌های منطقه و نیروهای راست‌گرا در غرب از داعش، رقابت بین جمهوری اسلامی و عربستان، تقویت گرایش انحصارطلبانه شیعی در عراق توسط رژیم ایران، برهم زدن ائتلاف "العراقیه"، بی‌کفایتی، فساد و انحصارطلبی دولت مالکی، سرکوب و تحقیر تاریخی جامعه سنی در سوریه، شکست و تحقیر سنگین جامعه سنی پس از اشغال عراق توسط آمریکا است.

قبل از قدرت‌گیری داعش، شهروندان مقیم رمادیه، فلوجه و هویجه در اعتراض به سیاست‌های نوری مالکی به خیابان‌ها آمدند و مطالبات خود را مطرح کردند. اما دولت مالکی تظاهرات مسالمت‌آمیز آن‌ها را درهم کوبید و به مطالبات آن‌ها بی‌توجه ماند. سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت مالکی و ناراضی‌پسند وسیع جامعه سنی از آن، زمینه‌ساز همدلی شهروندان مناطق تصرف شده با نیروهای داعش گردیده است.

در تصرف شهرهای سنی‌نشین عراق چندین سازمان نظامی: شورای نظامی قبایل عراق، سازمان انصار اسلام، ارتش مجاهدین، ارتش اسلامی، گردان‌های انقلاب قرن بیستم و ارتش طریقت نقشبندی و بقایای ارتش صدام با داعش همراه شدند. این سازمان‌ها به رغم اختلافات، اتاق عملیات مشترک تشکیل داده و با هم همکاری می‌کنند. در حال حاضر این اتاق، عملیات نظامی در استان‌های شمالی، غربی و میانی عراق را هماهنگ می‌کند.

اکنون وضعیت پیچیده‌ای در عراق شکل گرفته است. از یکسو داعش و متحدین او مناطقی از عراق را به تصرف خود درآورده و در حال پیشروی است و از سوی دیگر دولت اقلیم کردستان در مناطقی که مورد کشاکش میان حکومت مرکزی عراق و دولت اقلیم کردستان بودند، به تحکیم مواضع نظامی خود پرداخته است.

این وضعیت امکان تغییر در نقشه جغرافیایی عراق و احتمال تجزیه عراق به سه قسمت سنی، شیعه و کرد را افزایش داده است. تجزیه عراق، کانون بحران‌خیز منطقه را شکل خواهد داد.

راه برون‌رفت عراق از بحران فعلی تسلط یک بخش از عراق بر بخش‌های دیگر نیست. این امر نه امکان‌پذیر است و نه صلح را در عراق برقرار خواهد کرد. تناسب قدرت در عراق بگونه‌ای که در سال‌های گذشته بود، دیگر قابل دوام نیست. لازم است حل بحران عراق برقراری تناسب جدید قدرت بین جوامع شیعه، سنی و کرد و مشارکت دادن هر سه مولفه در منابع قدرت سیاسی است.

دولت نوری مالکی خود منشاء بحران در عراق است و نمی‌تواند و نمی‌خواهد از انحصارطلبی دست بردارد و مولفه‌های دیگر را در قدرت سهیم سازد. لازم است که نوری مالکی کنار رود و دولت فراگیر و ائتلافی تشکیل گردد. نوری مالکی به جای تشکیل دولت فراگیر و ائتلافی، با بسیج شیعیان و کمک‌های جمهوری اسلامی می‌خواهد داعش و متحدین آن را از پیشروی باز دارد و از مناطق سنی‌نشین عقب بنشانند. این امر به جای حل بحران، به جنگ قومی - مذهبی دامن خواهد زد.

اقدام نظامی و لشکرکشی، راه‌حل بحران عراق نیست. راه‌حل بحران عراق، سیاسی و دیپلماتیک است و تلاش‌های سازمان ملل متحد، کنفرانس کشورهای اسلامی و همکاری دولت آمریکا، اتحادیه اروپا، ایران، عربستان و ترکیه را می‌طلبد. لازم است که دولت ایران در این تلاش‌ها مشارکت کرده و از آن حمایت کند.

حمایت از دولت شیعه و حفظ "اماکن مقدس شیعه" از گزند داعش و متحدین آن، نباید دخالت نظامی ایران را موجب گردد. دخالت نظامی و وارد شدن در جنگ قومی - مذهبی و قرار گرفتن در جانب قطب شیعه، به زیان منافع ملی کشور ما است و پیامدهای فاجعه‌باری برای کشور ما خواهد داشت.

سنی‌ها همانند عراق در کشور ما نیز تحت فشار هستند. چهار هم‌وطن سنی ما در دادگاه‌های فرمایشی حکومت ایران به اعدام محکوم شده‌اند. طی چند روز گذشته چهار بار آن‌ها را پای چوبه‌دار برده و بازگردانده‌اند. ما کشتارهای داعش در عراق را محکوم می‌کنیم و از حکومت ایران می‌خواهیم که به سرکوب و اعدام هم‌وطنان اهل سنت پایان دهد و حقوق آن‌ها را تامین نماید.

اعلامیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# تنیده شدن مبارزه کارگران ایران با جنبش دمکراسی خواهی

## صادق کار

هیأت نمایندگی رژیم هنوز در کنفرانس سالانه‌ی سازمان بین‌المللی کار مشغول لاف‌زنی و گزافه‌گویی و سرپوش نهادن بر نقض آشکار همه‌ی مقاله‌نامه‌های بنیادین کار و حقوق سندیکایی کارگران ایران در کمیته‌های مختلف این کنفرانس هستند.

اما با تمام این تبعیضات و سرکوب‌ها، علی‌رغم حمایت بی‌چون و چرای دولت از سرمایه‌داران و بی‌توجهی محض دولت به حقوق و مطالبات کارگران، مبارزه‌ی کارگران برای احیای حقوق سندیکایی‌شان، بدون وقفه، با قوت، حتی در درون زندان‌ها ادامه دارد و هر روز که می‌گذرد، حمایت گروه‌های وسیع‌تری از جامعه را کسب می‌کند. ادامه و تشدید این مبارزات و جلب هرچه بیشتر حمایت گروه‌های اجتماعی آزادی و ترقی‌خواه، از مبارزات عمیقاً حق‌طلبانه و دمکراتیک کارگران، کلید رهایی همه‌ی زندانیان کارگری، مدنی و سیاسی و استقرار دمکراسی است.

مبارزه برای دمکراسی، با مبارزه با حقوق سندیکایی، در ایران امروز چنان در هم تنیده شده‌اند که کسب یکی از آنها بدون دیگری، مقدور نیست. استبداد و بی‌عدالتی با سرکوب سندیکاهاست که حیات و ممت می‌یابد و با نهادینه شدن سندیکاهاست که می‌میرد.

آن‌ها محاکمه و محکوم به زندان گردیدند.

صورت حکم زندان توسط بیدادگاه انقلاب اسلامی استان آذربایجان غربی برای کارگران، به خاطر شرکت در یک مجمع صنفی قانونی، در حالی صورت می‌گیرد که هزاران اتحادیه و تشکل کارفرمایی و حداقل دو کنفدراسیون نیرومند کشوری کارفرمایی، به شکل کاملاً آزاد و قانونی و به استناد قوانینی که در ظاهر روی کاغذ همین حق را برای کارگران نیز پذیرفته، سال‌های متمادی است که مشغول فعالیت هستند و از منافع کارفرماها و سرمایه‌داران حراست می‌کنند و حوزه‌ی نفوذشان تا ریاست دفتر رییس‌جمهور امتداد دارد.

اما کارگر را به خاطر استفاده از همان حق که شرکت در یک مجمع صنفی، جزء ابتدایی‌ترین حقوق اوست، به سه‌ونیم سال زندان محکوم می‌کنند. جعفر عظیمزاده از اعضای هیأت مدیره‌ی اتحادیه‌ی آزاد کارگران را به خاطر دفاع از افزایش دستمزد کارگران مطابق با قانون کار، یک ماه‌ونیم در زندان نگاه می‌دارند و وقتی هم که به خاطر اعتراضات گسترده مجبور به آزادی وی می‌شوند، قرار آزادی موقت را برایش صادر می‌کنند تا شمشیر تهدید را پشت گردنش نگاه دارند و بهانه برای بازداشت مجدد او داشته باشند.

بر پایه‌ی گزارشی که توسط «کردیا» منتشر شده است، دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی احکام زندان پنج نفر از فعالان کارگری این استان را که در سال ۹۲ به دلیل شرکت در یک مجمع عمومی صنفی کارگری در شهر کرج در شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب مهاباد، به زندان محکوم شدند، تأیید کرده است. طبق رأی دادگاه تجدیدنظر، جمال مینا سیری و هادی تنومند، هریک به سه‌ونیم سال و سه کارگر دیگر به نام‌های قاسم ابراهیم‌پور، ابراهیم مصطفی‌پور و محمد کریمی، هریک به دو سال زندان و این پنج کارگر مجموعاً به ۱۳ سال حبس تعزیری محکوم شدند. این پنج فعال کارگری که همه‌شان کرد هستند، در ۲۹ آذر سال ۹۱ در

**مبارزه برای دمکراسی، با مبارزه با حقوق سندیکایی، در ایران امروز چنان در هم تنیده شده‌اند که کسب یکی از آنها بدون دیگری، مقدور نیست**

یورش نیروهای امنیتی به مجمع عمومی کارگری به همراه حدود ۶۰ کارگر دیگر که از شهرهای مختلف برای شرکت در مجمع، به کرج آمده بودند، دستگیر شدند و پس از گذراندن ۴۳ روز در زندان، با سپردن ۳۰ میلیون وثیقه، آزاد شدند. علاوه بر این پنج تن، یک کارگر دیگر ساکن بوکان به نام حسن رسول‌نژاد، از سوی شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب مهاباد نیز به یک سال حبس تعزیری محکوم گردید.

با وجود این‌که مجمع عمومی صنفی کارگری مورد اشاره که در ۲۹ اسفند ۹۲ در شهر کرج تشکیل شد، یک مجمع کاملاً قانونی بود که مسئولین اداره‌ی کار کرج نیز قبلاً از تشکیل آن مطلع شده بودند و برگزارکنندگان آن همه‌ی راه‌های قانونی جهت تشکیل آن مجمع را پیموده بودند، اما با این وصف، معلوم نیست که با استناد به کدام قانون، در ساعات آغازین، مجمع مورد یورش مأموران امنیتی قرار گرفت و شرکت کنندگان در آن که همگی کارگر بودند، به طور دسته‌جمعی بازداشت شدند. و بعداً تعداد زیادی از

**مبارزه‌ی کارگران برای احیای حقوق سندیکایی‌شان، بدون وقفه، با قوت، حتی در درون زندان‌ها ادامه دارد و هر روز که می‌گذرد، حمایت گروه‌های وسیع‌تری از جامعه را کسب می‌کند**

کارگر دیگری را به خاطر مبارزه در راه بخش دیگری از حقوق قانونی کارگر، به طرز غیرقانونی با تهدید و ارباب، وادار به استعفا از کارش می‌کنند و از آزادی فعالان کارگری زندانی که به طور غیرقانونی، صرفاً به خاطر دفاع از حق و حقوق کارگر، سال‌هاست که زندانی شده‌اند، امتناع می‌ورند و

### بولتن کارگری شماره ۳۶

#### گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

**تحلیل هفته : همبستگی، اعتصاب و مقاومت نتیجه داد، دولت عقب نشست**

**یادداشت: نگاهی به کارگران کوره بزخانه ها - بخش دوم**

**از تجارب دیگران : واقعیت‌ها زندگی طبقه کارگر در بریتانیای**

**ننولیرال (قسمت آخر)**

**اخبار خارجی : بریتانیا: فقر مردمان شاغل یک تنگ ملی است**

**- آفریقای جنوبی: اعلام اعتصاب فلزکاران**

**اخبار داخلی : با عقب نشینی**

**دولت کام بعدی مطالبه‌ی کارگران معدن سنگ آهن بافق رقم خورد:**

**- تجمع کارگران سیمان آبیگ**

**- تجمع بازنشستگان فولاد**

**خوزستان مقابل مجلس**

**- تجمع پرستاران مقابل مجلس**

[www.kar-online.com](http://www.kar-online.com)

## روابط حکومت اقلیم کردستان و ترکیه

### گروه مطالعاتی - پژوهشی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

#### ترکیه نوین

ترکیه نوین بر اساس نظریه پان ترکیسم پایه ریزی شد. ناسیونالیسم ترکی که در ابتدا توانست از پتانسیل کردهای محدوده قلمرو خود در مصادف با دشمنان خارجی خود استفاده کند، و در شرایطی که به کردها وعده تامین حقوق آنها را داده بود، بعد از تشکیل دولت نوین خود به این وعده‌ها پشت کرد و با شروع جنبشهای اعتراضی کردها، به اقتضای ناسیونالیسم حاکم با شدیدترین شیوه ممکن به سرکوب خونین و بیرحمانه آنان دست یازید. در واقع تاریخ نوین ترکیه مملو از برخوردهای غیر دمکراتیک، سرکوبگرانه و خشن علیه غیر ترک ها و در استمرار خود بویژه کردها می باشد. در واقع شونینسم ترکی در عمده‌ترین خطوط خود خط اصلی استراتژی برخورد دولت نوین ترک را با کردها تشکیل می داد، خطی که تا قرن بیست و یکم ادامه می یابد و در حقیقت بعدها با تاسیس حکومت اقلیم کردستان است که این ایده‌نولوژی مسلط در وجوه و جهاتی دستخوش تغییراتی می گردد و در انطباق با اقتضائات روز، به روز می شود. دولت ترکیه با رو آوردن به تدوین استراتژی دیگری، ایدئولوژی شونینستی را از صلابت اولیه خود می اندازد و ترکیه را بنوعی وارد یک بازی سیاسی از نوع دگر می کند که با تاریخ متداول در ترکیه متفاوت می باشد.

#### رفار متفاوت ترکها

ترکیه بر خلاف ایران و عراق که تقریباً همیشه از اپوزیسیونهای کردی داخلی همدیگر دفاع کرده‌اند، به آنان پناه داده‌اند و در جریان جنگها به تسلیح آنان کمک کرده‌اند، بسیار کمتر وارد این بازی شده است. خاک ترکیه هیچگاه در تاریخ مدرن این دولت مامنی برای نیروهای مسلح آن طرف مرز نبوده است. در واقع ترکیه از این لحاظ از یک خط سیاسی اروپائی پیروی کرده است که بعد از جنگ دوم جهانی، دولتها در آن یک بار برای همیشه از شیوه برخورد کلاسیکی به اپوزیسیونهای یکدیگر خاتمه دادند، و یک بار برای همیشه جنبشها و یا احزاب اروپائی وارد فاز صرفاً سیاسی در مبارزات خود شدند. اما ترکیه در مقابل شاهد آن بوده است که کشورهای همسایه‌اش از جمله ایران از این منطق کلاسیکی استفاده کرده‌اند. حضور غیر مستقیم نیروهای پ کاکا در ایران شاهدهی بر این مدعا هستند.

#### حکومت دوفاکتوی کردی در

#### کردستان عراق

چنانکه گفته شد با شروع دهه نود میلادی و تاسیس حکومت دوفاکتوی کردی در کردستان عراق، ایدئولوژی مسلط در ترکیه کم کم دچار تغییرات نسبی می شود. ترکیه که از طریق پایگاه انجریک خود (که در اختیار نیروهای غربی در فعالیتها

و اقدامات جنگیشان علیه حکومت عراق قرار گرفته بود)، فعالانه در روند تضعیف و سرنگونی حکومت بعث عراق شرکت می کند. این کشور، سقوط سیستم سیاسی مسلط در عراق را در راستای منافع خود می بیند. زیرا که این همکاری این کشور را بعنوان بخشی از ناتو هم بیشتر به غرب نزدیک می کند، و هم خیال او را از شر یک قدرت منطقه‌ای در جنوب کشورش راحت می ساخت. فراتر از این، تضعیف قدرت مرکزی در عراق می توانست ترکیه را به رویاهای تاریخی خود در مورد الحاق مجدد بخشی از خاک شمال عراق که در جریان جنگ جهانی اول از دست داده بود، نزدیکتر کند. اگرچه رنال پولیتیک از امکان برآورده شدن چنین رویاهائی ما را برحذر می کند، اما گاها آرزوها می توانند بنوعی پشت صحنه تدوین سیاست جای گیرند.

اما رویاهای ترکیه تا این مرحله تامین نشده‌اند. بعد از ۱۹۹۱ و ایجاد منطقه امن برای کردها، و نیز بعد از فروپاشی صدام در ۲۰۰۲، وضعیت سیاسی در عراق طوری پیش رفت که علیرغم آناشسیسم موجود و از هم پاشیدن سیستم اداری در عراق، چنان وضعیتی پدید نیامد تا ترکها بتوانند در آن به منافع خود دست یابند. شاید عدم وجود یک نیروی جدی مدافع و هواخواه ترکها در شمال عراق، مهمترین فاکتور این ناکامی را بتوان برشمرد. وجود اندک (از لحاظ کمیتهی) و نه چندان با اهمیت ترکمنها (سنگین نبودن وزنه سیاسی) در عراق که از لحاظ اتنیکی به ترکها نزدیکند، نتوانست از لحاظ سیاسی به چنان فاکتوری تبدیل شود تا به یک عامل داخلی برای فراخواندن ترکها به حضورشان در مناطق کردنشین مبدل شود. دولت ترکیه از این لحاظ به قول معروف رودست خورد! تشکل سیاسی فراگیر از این به بعد استراتژیستهای ترک در فکر راهکارهای دیگر افتادند.

#### سیاست نزدیکی به کردها

کردستان عراق با ترکیه مرز شمالی مهم و طولانی دارد. درست در این مرز یک نقطه ارتباطی بازرگانی - اقتصادی وجود دارد که برای کردها از اهمیت حیاتی برخوردار بود. این محل اسمش ابراهیم خلیل می باشد. در شرایطی که عراق و به تبع آن منطقه اقلیم زیر تحریمهای کمرشکن سازمان ملل و جامعه جهانی قرار داشت، ابراهیم خلیل مرکز تجاری با اهمیتی بود هم برای واردات کالا و هم برای کمکهای انسان دوستانه‌ای که از جامعه جهانی به عراق می رسیدند. و ابراهیم خلیل درست در منطقه‌ای قرار داشت که قلب نفوذ حزب دمکرات کردستان عراق می باشد. درست در آن سالهائی که پ کاکا عملیات نظامی خود را در ترکیه شدت بخشیده بود (نیروهای پ کاکا در مناطق شمالی اقلیم و شمال غربی آن در کوهستانها مستقر بودند)، وضعیت اقتصادی، تجاری و سیاسی مناطق کردنشین بشدت بحرانی بود و رقابت سیاسی میان دو حزب عمده کردی (اتحادیه میهنی و حزب دمکرات) در اوج خود بود، ترکیه از امتیاز وجود ابراهیم

خلیل استفاده سیاسی کرد و دو حزب کردی اصلی در حکومت اقلیم را ناچار و وادار به همکاری در عملیات نظامی علیه پ کاکا کرد. متأسفانه کردها به این درخواست لیبک گفتند و بنابراین عملیات نظامی مشترک ترکیه با دو حزب کردی علیه پ کاکا شروع شد. البته این همکاری تنها به اینجا خاتمه نیافت. بعدها در جریان جنگ داخلی در اقلیم که در میان دو حزب اصلی در جریان بود، ترکیه جانب حزب دمکرات را گرفت و با فرستادن نیروهای خود به جبهه‌های جنگ، مستقیماً علیه اتحادیه میهنی و به نفع حزب دمکرات وارد جنگ شد.

دهه نود میلادی را شاید بتوان دوران بدترین نوع روابط اقلیم با ترکیه دانست، دورانی که چنانکه گفته شد بعثت شرایط ویژه کردستان، ترکیه توانست رابطه بشدت ناهمتراری را به کردها تحمیل کند. اگر چه کردها و بویژه حزب دمکرات کردستان به یمن بر سر پا نگه داشتن ابراهیم خلیل توانستند مهمترین منبع درآمد خود را همچنان حفظ کنند و از این منظر به منافع دست یابند، اما تأثیرات سیاسی روابط نامتوازن با ترکیه بسیار فراتر از چنین دستاوردهای محدودی بودند. این جنگ همانند دیگر جنگها میان کردها، ضربات جدی به وجهه سیاسی آنان بویژه در نزد افکار داخلی وارد نمود. با سرنگونی صدام، نوع روابط اقلیم با ترکیه کم کم وارد فاز دیگری می شود. در این ایام دیگر کردها هم رسماً در حکومت مرکزی عراق با دست گرفتن پستهای حساس و بالا سهم می شوند، هم دیگر از جنگ داخلی بشیوه دهه نود میلادی خبری نیست، هم کردها بعثت اهمیت حضور در دولت مرکزی بیشتر به همبستگی خود پی می برند، و هم سرانجام اینکه کم کم پارلمان کردستان با تصویب قوانین معینی راه را برای مشارکت اقتصادی کشورهای پیرامونی بویژه ترکیه در اقتصاد و بازار خود را تامین می کند. در این رابطه البته باید عنصر نفت را ارجعتر شمرد که در مجموعه فاکتورهای ارائه داده شده مهمترین جایگاه را در شرایط کنونی به خود اختصاص می دهد.

#### ترکیه و حکومت مرکزی عراق

با تشکیل حکومت مرکزی عراق که در آن شیعیان نیروی اصلی را تشکیل می دادند و این در اصل با توجه به رابطه تاریخی جمهوری اسلامی با این نیروها بمنزله شروع نفوذ قابل توجه دولت ایران در عراق بود، و با توجه به نزدیکی عربستان سعودی به سنی ها، ترکیه به عنوان یکی از همسایگان مهم عراق که در این خوان سهم ویژه خود را برای حفظ تعادل قدرت در منطقه می خواست، شروع به روند یارگیری در داخل خود عراق کرد. ...

## استراتژی سیاسی برای گذر از استبداد به دموکراسی - استراتژی تحول طلبی\*



بهروز خلیق

کشور، سازمان‌یابی گروه‌های اجتماعی، تقویت نهادهای مدنی، اتحاد استراتژیک نیروهای جمهوری‌خواه و دمکرات و اجتناب از حذف مخالفین مبتنی است. تلاش برای مشارکت حداکثر شهروندان صاحب رای - اعم از زن و مرد - در فرایند گذار به جمهوری دموکراتیک و سکولار از ارکان استراتژی سیاسی ما است.

**جنبش‌های اجتماعی و نهادهای مدنی جایگاه برجسته در استراتژی تحول طلبی دارد. ما از مطالبات جنبش‌های اجتماعی و شکل‌گیری نهادهای مدنی دفاع می‌کنیم و برای تقویت آن‌ها می‌کوشیم**

نیروهای اجتماعی تحول در گذر به جامعه مدرن، از استبداد به دموکراسی، از دولت دینی به دولت سکولار و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی و سکولاریسم عبارتند از: طبقات مدرن جامعه (طبقه کارگر صنعتی، طبقه متوسط جدید و کارفرمایان صنعتی)، جنبش‌های اجتماعی (جنبش اعتراضی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش حقوق بشر، حرکت ملی - قومی) و نهادهای مدنی و نیروهای سیاسی (نیروهای چپ، دمکرات، لیبرال و نیروهای مذهبی سکولار).

تلاش برای نزدیکی نیروهای جمهوری خواه دمکرات و سکولار، اتحاد وسیع این نیروها و تقویت نقش آن، در مرکز ثقل سیاست اتحادهای ما قرار دارد.

جنبش‌های اجتماعی و نهادهای مدنی جایگاه برجسته در استراتژی تحول طلبی دارد. ما از مطالبات جنبش‌های اجتماعی و شکل‌گیری نهادهای مدنی دفاع می‌کنیم و برای تقویت آن‌ها می‌کوشیم.

تحقق برنامه ما در کوتاه مدت و به طور ضربتی امکان پذیر نیست و نیازمند کار سیاسی، فرهنگی و نهادسازی است. از نظر ما دستیابی به دموکراسی با کاربری و پایبندی به شیوه‌های دمکراتیک امکان‌پذیر است و ما در فرایند مبارزه برای دستیابی به اهداف برنامه، برای تامین حقوق بشر، آزادی بیان، مطبوعات، گردش آزادانه اطلاعات، آزادی فعالیت احزاب، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های غیردولتی و عقب نشانیدن رژیم حاکم در این و یا آن عرصه مبارزه می‌کنیم.

وجهی از استراتژی سیاسی ما، مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد، به رسمیت شناختن حق رای همه شهروندان و سپردن اداره دولت به منتخبین مردم است. ...

ادامه در صفحه ۱۲

بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است. از این رو در جامعه ما امر توسعه و دموکراسی عمیقاً با عدالت اجتماعی درهم آمیخته است. بدون تامین عدالت اجتماعی پیش‌برد امر دموکراسی و توسعه غیر ممکن می‌نماید. یعنی مردم هم نان می‌خواهند و هم آزادی. نه می‌توان به بهانه آزادی نان را از آنان دریغ داشت، نه چنانچه در نظام‌های توتالیتر مرسوم است به بهانه نان از آزادی محرومشان ساخت.

### استراتژی تحول طلبی

جمهوری اسلامی با ساختار سیاسی مبتنی بر تلفیق دین و دولت و ولایت فقیه، قانون اساسی تبعیض‌آمیز، مانع اصلی گذر به جامعه مدرن، پیشرفته و دمکراتیک و برقراری آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر در کشور ما است. استراتژی ما برای رفع مانع اصلی و گذر به کشور پیشرفته و دمکراتیک و تحول در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، استراتژی تحول طلبی است.

استراتژی تحول طلبی مبتنی است بر اشاعه گفتمان آزادی، عدالت‌خواهی، دموکراسی، حقوق بشر و تقویت جامعه مدنی و سیاسی، دمکراتیزه کردن ساختارهای جامعه و جایگزینی دولت مدرن، دمکراتیک و سکولار در شکل جمهوری و منطبق بر حقوق بشر در ایران به جای جمهوری اسلامی است. سیاست‌های ما با این استراتژی تبیین می‌شود و در خدمت آن قرار می‌گیرد.

از نظر استراتژی تحول طلبی، حلقه اصلی و گره‌گاه تحولات جامعه ما، امر دموکراسی و دمکراتیزه کردن ساختارهای اجتماعی و به ویژه ساختار سیاسی، جامعه مدنی و مناسبات آندو است.

استراتژی تحول طلبی ضمن برخورد مثبت با رفرم سیاسی، بر دگرگونی ساختار سیاسی، بسیج نیروهای اجتماعی، سیاسی و جنبش‌های اجتماعی، بر گذر مسالمت‌آمیز از استبداد به آزادی و دموکراسی، بر کاربست اشکال مسالمت‌آمیز مبارزه، نافرمانی مدنی، بر مبارزه پارلمانی، مبارزه در "پایین" و "بالا" با وزن اصلی مبارزه

**تأمین حقوق بشر و استقرار دموکراسی به مسئله ضرور، مبرم و اصلی جامعه ما تبدیل شده و این امر مدلل شده است که در کشور ما امر توسعه با دموکراسی درآمیخته و آزادی و دموکراسی به خواست مشترک وسیعترین طبقات و گروه‌های اجتماعی تبدیل گردیده است**

در "پایین"، بهره‌گیری از شکاف‌های درون حکومتی به سود روندهای دمکراتیک در

جامعه ما نیازمند نوسازی است و محور نوسازی در جامعه ما، دمکراتیزاسیون است. نوسازی به معنی تحول در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تحولی که در طی آن زمینه‌های گذر به جامعه مدرن و دولت مدرن فراهم می‌شود، آزادی‌های فردی و اجتماعی تحقق می‌یابد، دموکراسی در کشور استقرار پیدا می‌کند، بنیان‌های حقوق بشر در قوانین نهادینه می‌شود، موانع پیشرفت کشور برطرف می‌گردد، توسعه پایدار در برنامه قرار می‌گیرد، به نوسازی اجتماعی و فرهنگی و به حل مسئله فقر و بیکاری و تامین عدالت اجتماعی پرداخته می‌شود. هدف برنامه ما پی‌ریزی جامعه‌ای مدرن، پیشرفته و مبتنی بر آزادی، دموکراسی، حقوق برابر انسان‌ها، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست و فراهم آوردن شرایط گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم دمکراتیک است.

**استراتژی تحول طلبی مبتنی است بر اشاعه گفتمان آزادی، عدالت‌خواهی، دموکراسی، حقوق بشر و تقویت جامعه مدنی و سیاسی، دمکراتیزه کردن ساختارهای جامعه و جایگزینی دولت مدرن، دمکراتیک و سکولار در شکل جمهوری و منطبق بر حقوق بشر در ایران به جای جمهوری اسلامی است**

بدون استقرار دموکراسی در کشور و تامین حقوق و آزادی‌های مدنی، گذار به سوسیالیسم دمکراتیک غیر ممکن است.

در طی سه دهه گذشته تحولات عمیقی در حوزه‌های مختلف اجتماعی در جامعه ما صورت گرفته است.

با دگرگونی ساختاری و طبقاتی در طی سه دهه گذشته، تامین حقوق بشر و استقرار دموکراسی به مسئله ضرور، مبرم و اصلی جامعه ما تبدیل شده و این امر مدلل شده است که در کشور ما امر توسعه با دموکراسی درآمیخته و آزادی و دموکراسی به خواست مشترک وسیعترین طبقات و گروه‌های اجتماعی تبدیل گردیده است.

رشد لجام‌گسیخته سرمایه‌داری، شکل‌گیری لایه نازکی از ثروتمندان کلان و متورم شدن گروه‌های کم درآمد جامعه، به بی‌حقوقی و استثمار شدید کارگران و مزدبگیران و به تعمیق بی‌سابقه شکاف طبقاتی انجامیده است. فقر، بیکاری و فاصله فقر و ثروت در جامعه ما به نحو

## رنج ما کجا و رنج آنها کجا؟

### نرگس محمدی

من با خود می گویم حامد عزیز هر چند ما همه قربانی هستیم اما من زن شیعه پایتخت نشین چه می دانم حال تو عروس زجر کشیده سنی کرد را که وقتی ۴ ماهه آبستن بود شوهرش را بردند و یکسال از او بی خبر ماند. شوهر در سلول انفرادی شکنجه می شد و تو عروس با خیال زیستن در کنار همسر، فرزند را به دنیا می آورد. درد زاییدن و درد بی خبری از شوهر برای زن جوان کرد سنی با هم هم آغوش بود. با خود فکر می کنم من چه حقی دارم که او را به صبر دعوت کنم، من کیستم و چه رابطه ای بین من و او وجود دارد؟ ای شرم بر ما باد. من یک مادرم و می دانم شیما نه فقط برای بودن یک زن جوان در کنار همسر، بلکه به خاطر داشتن پدر برای دخترش، خیزشی تظلم خواهانه و اعتراضی کرده است و ما می بینیم و می شنویم اما مسئولیت مان چیست و چه می کنیم؟ این مظلومان چه می توانند بکنند؟ کودک و پیر همه با هم خانه و کاشانه را رها کرده اند و در این بیابان بر روی خاک می خوابند و می نشینند، اما لحظه ای از مقابل زندان دور نمی شوند. جوانها به مادرهای

پر درد سفارش کرده اند مادر جان ما را تنها نگذارید اگر شما بروید ما را می کشند. باز چشم ام به مهبد می افتد. آمده ام به آنها دلداری بدهم ولی دلم طاقت نمی آورد و اشک هایم مرا حتی از انجام این کار ذلیلانه و خواری آفرین هم عاجز می کند. مهبد ۴ ماهه در شکم مادر بود که پدر را بردند. او هرگز پدر را در خانه ندیده است، مهبد اکنون ۶ ساله است. فقط چند بار پدر را در کابین ملاقات دیده، اما امروز در تلاش برای نجات جان پدر در مقابل زندان به قامت کودکانه اش چون کوه ایستاده است. فریاد بی صدا و بی کلامش را جهان می شنود: "پدرم را نکشید."

**چشمان مادر و دختر کوچک، آشوب درون و ترس را فریاد می زنند. ترس از یک خبر خیر. خبر ناکهانی اعدام عزیز در بند که اکنون بی پناه در کنج سلول قرنطینه با لباس اعدام و با خون دل، هر سپیده را به استقبال می رود**

او در این ۶ سال چند واژه را هزاران بار شنیده و با تمام وجودش درک کرده است. واژه منحوس اعدام و این واژه سیاه و ترس آفرین، دنیای کودکانه او را پر از خشم و اندوه کرده است. چگونه به او بگویم تو خواهر سنی دختر من کیانا هستی؟ مطمئن هستم نه امروز و نه آن فردای دیگر، این واژه بی معنای خواهری را از من نخواهد پذیرفت. کدام خواهر؟ روزی به ما خواهد گفت زمانی که من در رنج و حسرت ...

ادامه در صفحه ۱۶

هر سپیده را به استقبال می رود. ۲ کودک ۲ و ۳ ساله که خواهر زاده های حامدند و مهبد ۶ ساله که دختر حامد است در مقابل زندان تحصن کرده اند. کودکان کرد سنی، غیرت و وجدان من شیعه را به سخره گرفته و چه کار بجا و پر معنایی کرده اند. کودکان ۲، ۳ و ۶ ساله برای نجات جان انسان هایی که مستحق اعدام نیستند و این روزها مرگ را به انتظار نشسته اند و از روز شنبه ۴ بار پای چوبه دار روانه گشته اند، به پا خاسته اند. روی خاک و در مقابل آفتاب بی رحم و سوزان خرداد، این کودکان در کنار مادر بزرگ و پدر بزرگشان که چهره هاشان از شدت آفتاب همچون خون به ناحق ریخته شده، سرخ و سوزان است به پا خاسته اند.

**من یک مادرم و می دانم شیما نه فقط برای بودن یک زن جوان در کنار همسر، بلکه به خاطر داشتن پدر برای دخترش، خیزشی تظلم خواهانه و اعتراضی کرده است و ما می بینیم و می شنویم اما مسئولیت مان چیست و چه می کنیم؟**

در این شهر و در این کشور پهناور در مقابل زندان و در اعتراض به اعدام، کودکان نوپا قائمند. درد را نه با کلام و صدا که از ترس حتی ناله هم نمی کنند، بلکه با چشمانشان و با قائم بودن به شرف انسانی شان فریاد می زنند، اما این جماعت شیعه، گویی نمی بینند یا اصلا نمی خواهند که ببینند.

مهبد عزیز را بغل می کنم. روسری گل گلی و بلوز صورتی و دامن پر چینم برایش هیچ فرقی با چادر مشکی زنان زندان ندارد که هر روز تماشایش می کنند و بی اعتنا می گذرند. بغلش می کنم می بوسمش حتی کوچکترین لبخندی هم نمی زند. یک بغل گل سفید به نشان صلح برایش برده ام اما حتی شاخه ای از آن را نمی گیرد و نمی بوید. هیچ کلامی نمی گوید. گویی این کودک از اضطراب اعدام پدر و پیش از مرگ او، جان سپرده است.

به سمت شیما بر می گردم و می گویم شیما جان من زن شیعه از تو زن سنی معذرت می خواهم و بسیار شرمسارم، آنقدر که نمی توانم به چشمانت نگاه کنم. چند بار بغلش می کنم. سینه های پر درد را به هم می فشاریم اما درد من کجا و درد او کجا؟

حامد نوشته بود کسی چه می داند حال آن اعدامی را که پای چوبه دار می برند و

روز سه شنبه با دیدن شیما عزیز، همسر حامد احمدی، رنج سال های ۷۹-۸۰ را دوباره به خاطر آوردم. اما درد من کجا و درد این عروس کرد سنی کجا؟

تو عروس بودم، تقی بازداشت شد. تنها بودم و از بی خبری از همسر که با ۲۱ نفر از فعالان ملی مذهبی بازداشت شده و ماهها در سلول های انفرادی نگه داشته شدند، در اضطراب بودم. اما زنانی توانمندتر از مردان روزگار دور و برم بودند. زنانی چون فرزند طالقانی که بی هراس و با قدرت انتقاد می کرد و به دادگاه و قاضی هجوم می برد، چون مینو خانم که بی چشم داشت دل ها را گرم و نرم نگه می داشت، چون قدسی خانم که لبریز از رنج دوران بود و دیگر رنج را به سخره می گرفت، چون عزیز سفر کرده ام هاله جان که عشق را با تمام وجود و بی حد و مرز به همه مان نثار می کرد، چون زرین دخت عطایی که با وقار و صبر درد را در درون پنهان میداشت، چون فریده که با روحیه و با خنده همه را می بوسید، چون مریم خانم رسولیان که با تدبیر و متواضعانه با جمع سخن می گفت، با دخی خانم، زهرا جان و فرزانه و منصوره و فهیمه و فیروزه که خواهرانه با جمع همراه بودو ...

اما شیما عزیز، این زن با وقار کرد و خواهر سنی ما، تنها و در کنار کودک ۶ ساله اش در مقابل در زندان بدون هیچ همراهی ای چون سرو ایستاده است.

**۲ کودک ۲ و ۳ ساله که خواهر زاده های حامدند و مهبد ۶ ساله که دختر حامد است در مقابل زندان تحصن کرده اند. کودکان کرد سنی، غیرت و وجدان من شیعه را به سخره گرفته و چه کار بجا و پر معنایی کرده اند**

با غرور و ایمان یک زن کرد جوان؛ خیلی جوان است، اما چهره ای به پختگی یک زن میانسال دارد. آرام سخن می گوید و احساس و اضطرابش را از کلامش نمی توان دریافت کرد، هر چند چشمانش راز درونش را بر ملا می کند. چشمان مهبد و شیما خیلی شبیه به همنند. چشمان مادر و دختر کوچک، آشوب درون و ترس را فریاد می زنند. ترس از یک خبر. خبر ناکهانی اعدام عزیز در بند که اکنون بی پناه در کنج سلول قرنطینه با لباس اعدام و با خون دل،

## نگاهی به کارگران کوره پزخانه ها

جعفر حسین زاده

وضعیت اسفناک کارگران کوره پزخانه ها از دیرباز مورد توجه جریانات فکری و سیاسی عدالت طلب به ویژه نیروهای چپ بوده است. ، نظام نوظهور جمهوری اسلامی و اعلام بنیان گذار آن مبنی بر بوسه به دست های پینه بسته ی کارگران، نه تنها گشایشی بر بهبود شرایط کارگران ایران نیافرید، بلکه در گذر زمان شرایط وخیم تر شده است.

کارگران کوره پزخانه ها یکی از گروه های کارگران صنعتی هستند که جزو فراموش شدگان اند. این نوشته تلاش کرده با نگاهی هرچند کوتاه، بخش هایی از مشکلات و وضعیت زندگی اسفناک این بخش از جامعه ی کارگری را بازگو کند

اکثریت کارگران کوره پزخانه ها از شمول کارگران فصلی اند که از ماه اردیبهشت تا مهر ماه هر سال از استان های خوزستان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کردستان برای کار به مناطقی که واحدهای کوره پزخانه دارد کوچ می کنند.

در کشور ما به علت بافت سنتی ای که این شغل دارد، طبق برآورد آماری ۲۰ هزار واحد کوره ی آجرپزی (با ۸۰۰ هزار کارگر) وجود دارد که محروم ترین کارگران کشور را در خود جای داده است. در اغلب این کوره پزخانه ها و در هر واحد بین ۲۰ تا ۲۵ خانوار به طور جمعی و موقت به کار مشغول هستند. البته در بعضی از مناطق، واحدهای کوره پزخانه ی سنتی جای خود را به کارخانه هایی داده اند که کارگران آنها دائمی اما با مشکلاتی متفاوت نسبت به کارگران فصلی کار می کنند. در این نوشته قصد ما بیش از هر چیز ترسیم شرایط کارگران فصلی کوره پزخانه است.

### دستمزد و ساعات کار:

کارگران کوره پزخانه ها به دلیل فصلی بودنشان ناچارند ساعات های طولانی در روز کار کنند. طبق گزارش خبرگزاری مهر به تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۹۱، کارگران در یک روز تا هجده ساعت در کنار کوره های داغ در فصل گرما مشغول به کار هستند.

طبق آمار رسمی، سطح تورم در حال حاضر به نزدیک ۲۵ درصد می رسد. در حالی که به طور واقعی هزینه های زندگی در این مدت فقط تا چندین برابر افزایش پیدا کرده است<sup>۱</sup> این درحالی است که متوسط افزایش حداقل مزد در همین مدت کمتر از نرخ تورم بود و هر خشت (هر خشت یک هزار عدد آجر است) از هجده ونیم به بیست و هفت تومان افزایش قیمت داشته است. با ایجاد چنین فاصله ی فاحشی بین حداقل دستمزد و تورم موجود ، بر کسی پوشیده نیست که طی سال های متمادی، آماري که توسط دولت منتشر شده کذب محض بوده است. گزارش خبرگزاری مهر در سوم خرداد ۱۳۹۲ بر اساس جدول ذیل، اسفبار بودن ستم معیشتی ۸۰۰ هزار کارگر کوره پزخانه را آشکار می سازد.

گزارش بانک مرکزی از گرانی و ارزانی مواد غذایی / افزایش قیمت دو گروه کالایی:

گروه کالایی	درصد تغییر نسبت به هفته قبل	درصد تغییر نسبت به ماه قبل	درصد تغییر نسبت به هفت ماه قبل
لبنیات	0	0.3	12.7
تخم مرغ	-1.5	-14.1	-13.3
برنج	-0.3	0.2	14.7
حبوب	-2.0	0.9	7.5
میوه های تازه	-6.6	-14.2	-0.1
سبزی های تازه	-3.1	-19.8	0
گوشت فرمز	-0.2	-0.6	6.4
گوشت مرغ	1.2	-1.4	17.3
قند و شکر	0	3.1	15.4
چای	0.1	0.7	0.3
روغن نباتی	0	-0.1	1.1

خبرگزاری ایلنادر تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۰۷

کارفرمایان برای کسب سود بیشتر، در اکثریت موارد با کارگران قراردادهای موقت امضا می کنند ، با این گونه قراردادهای، کارفرمایان به راحتی می توانند از پرداخت حق بیمه و سایر مزایای کارگران شانه خالی کنند . کارگران شش ماه کار می کنند و شش ماه به دنبال دستمزدشان می روند. علاوه بر مشکلات مشهود فوق و همچنین پس از شدت گرفتن نوسانات اقتصادی، کارفرمایان با سوءاستفاده از موقعیت درمانده ی کارگران، دستمزد کارگران را با ارائه ی چک های بلندمدت، ماه ها با تاخیر پرداخت می کنند .

### بهداشت و بیمه های درمانی :

فصل کار کوره پزخانه ها در حالی آغاز می گردد که هنوز استانداردهای بهداشتی در واحدها و کارگاه های آجرپزی فراهم نیست و دولت و کارفرمایان در بهبود وضعیت کاری و معیشتی کارگران و خانواده های آنها و در بازسازی و احداث امکانات بهداشتی و رفاهی کمترین تغییری صورت نداده اند و از تجهیزات اولیه ی پزشکی در این واحدها خبری نیست و اگر اتفاقی در محیط کار بیافتد امکان خدمات رسانی به کارگران مصدوم وجود ندارد. به گزارش خبرگزاری ایلنا<sup>۱</sup> رییس انجمن صنفی کوره پزخانه های استان تهران گفت: وضعیت نامطلوب و عدم رعایت بهداشت در کوره پزخانه ها بسیار وحشتناک است. برای نمونه، استفاده ی مشترک بیش از ۲۰ خانوار از امکانات بهداشتی هر واحد تولیدی آجرپزی در تنها یک سالن با تعداد بسیار محدود حمام و توالت، طبیعتاً این وضعیت باعث شیوع بیماری، مخصوصاً در بین فرزندان این کارگران فصلی می شود. علاوه بر آن، امکانات بهداشتی کوره پزخانه ها بیش از ۳۰ سال است که تعمیر و بازسازی نگردیده و به حال خود رها شده اند. طبق قانون کار، بازرسان بهداشت و وزارت کار با اختیارات کامل موظف اند که به صورت مداوم در فواصل زمانی کوتاه مدت از واحدها و کارگاه های کوره پزی بازدید کنند. این بازرسی حداقل عاملی می شود که میزان حوادث ناشی از کار و بهداشت محیط کار کاسته شود. ولی به ندرت اتفاق می افتد که بازرسان به این مناطق سرکشی نمایند. و اگر هم بازرسان از کارگاه ها دیدن کنند و از وضعیت نامناسب واحد کوره پزخانه ای گزارشی به وزارت کار ارائه بدهند، سرنوشت گزارش از دو حالت خارج نیست؛ یا کارفرما برای جلوگیری از ارسال آن به بازرسان، زیرمیزی رشوه می پردازد و یا این که اگر گزارش فرستاده شود، در بهترین حالت، کارفرمایان به دلیل عدم رعایت استانداردهای بهداشتی مقدار ناچیزی جریمه می شوند که تاثیر باز دارنده ای روی کارفرمایان ندارند. و باز هم در این جا حقوق کارگران به راحتی پامال می شود. وضعیت بیمه های درمانی این کارگران و خانواده های آنها به این صورت است که اکثریت کارفرمایان طبق روال همیشگی با تهیه و ارائه ی لیستی از کارگران دائمی و فصلی خود هر ماه تنها برای ۱۰ روز کاری، ...

ادامه در صفحه ۱۲

## حقوق بشر در منگنه پیشرفت دیپلماتیک و بن بست سیاسی

عبدالکریم لاهیجی

بشری و گیرنده جایزه ساخاروف در سال ۲۰۱۲ - نباید توجه جامعه بین المللی را از این واقعیت دور کند که زندانیان عقیدتی بسیاری در حبس مانده اند و شماری دیگر هنوز دستگیر می شوند. دست کم ۱۰۰۰ زندانی سیاسی و زندانی عقیدتی در ایران امروز در حبس هستند، از جمله دو عضو دیگر فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، عبدالفتاح سلطانی و محمد سیف زاده و مدافعان حقوق بشر دیگر همچون بهاره هدایت، محمد صدیق کبودوند و رضا شهبابی زکریا. بیش از ۱۲۰ پیرو آیین بهایی تنها به علت عمل به دین خود در زندان به سر می برند.

در حدود ۵۰ نوکیش مسیحی، ده ها درویش و مسلمان اهل سنت، و دیگران به خاطر اعتقادات دینی خود در زندان هستند. بسیاری از زندانیان در زندان های اوین و رجایی شهر در حبس و در معرض انواع مختلف شکنجه و بدرفتاری ها به سر می برند.

برخلاف وعده های انتخاباتی روحانی، آزادی مطبوعات به طور سامان مند رو به کاهش است.

شماری از نشریات تعطیل شده یا به روش های دیگر از انتشار بازمانده اند. روزنامه های متمایل به اصلاح طلبی آسمان، قانون و بهار از این دسته هستند. انجمن صنفی روزنامه نگاران که پس از انتخابات ۱۳۸۸ ممنوع شد هنوز اجازه بازگشایی نیافته است. سرکوب اعتراض های اجتماعی به بالاترین سطح رسیده و به دستگیری بسیاری از فعالان سندیکایی انجامیده است.

**وعده های انتخاباتی برای کاهش سانسور رسانه ها و تامین امکان فعالیت آزادانه تر برای سندیکاها در محدوده اختیار رییس جمهوری قرار دارند ولی هنوز تحقق نیافته اند**

### در حیطه کنترل رهبر

وکلای دادگستری، روزنامه نگاران و دانشگاهیان فشار زیادی را از رژیم انعطاف ناپذیر و ناتوان از تغییر تحمل می کنند، اما انتساب تمام تقصیر برای سرکوب کنونی تنها به حسن روحانی اغراق آمیز است، زیرا این رژیم به طور عمده زیر کنترل آیت الله خامنه ای، ارباب واقعی حکومت، قرار دارد. رهبر که سرپرست سه قوه حکومت از جمله قوه مجریه است، هرگز دشمنی خود را با تغییر سیاسی انکار نکرده و فضای محدودی را برای حرکت ... ادامه در صفحه ۱۲

حتا بحران سوریه، با وجود حمایت شرم آور ایران از رژیم بشار اسد، نتوانسته به طور جدی مانع بازگشت ایران به دامن جامعه ملل شود. جامعه بین المللی چشم هایش را بر وضعیت حقوق بشر در ایران بسته است، در حالی که وضعیت حقوق بشر تفاوت فاحشی با تصویر مدارا و اعتدالی که رییس جمهوری برای رسانه های بین المللی ترسیم می کند، دارد.

**حق محاکمه عادلانه به طور سامان مند نقض می شود و دادگاه ها به میزان روزافزونی حکم های اعدام را - اغلب برای جرایم مواد مخدر - صادر می کنند. هزاران تن - از جمله بسیاری از مردمان جوامع قومی مثل بلوچ ها، کردها و عرب ها - در ایران محکوم به اعدام هستند**

### اعدام، شکنجه و زندان در ایران امروز به همان میزان رایج است که در دوره احمدی نژاد بود

ستایش از موفقیت های دیپلماتیک رییس جمهوری ایران به آسانی به معنای فراموش کردن این است که وضعیت پس از انتخاب او در داخل کشور تغییر بسیار کمی کرده است؛ با فرض این که تغییر کرده باشد. موج امیدی که با پیروزی حسن روحانی همراه بود در پیشرفت مشخصی بازتاب نیافته است. بر عکس، اعدام، شکنجه و زندان در ایران امروز به همان میزان رایج است که در دوره احمدی نژاد بود. وعده های بی شمار انتخاباتی روحانی در باره حاکمیت قانون و آزادی مطبوعات، عقیده، گردهمایی و تشکل تحقق نیافته اند.

حق محاکمه عادلانه به طور سامان مند نقض می شود و دادگاه ها به میزان روزافزونی حکم های اعدام را - اغلب برای جرایم مواد مخدر - صادر می کنند. هزاران تن - از جمله بسیاری از مردمان جوامع قومی مثل بلوچ ها، کردها و عرب ها - در ایران محکوم به اعدام هستند.

با وجود نبود شفافیت و آمار رسمی و علنی اعدام، حکم های اعدام زیادی به اجرا در می آیند و بسیاری از این حکم ها در انتظار عمومی اجرا می شوند.

سال ۲۰۱۲ با بیش از ۷۰۰ اعدام شامل اعدام دست کم ۸ کودک رکوردی در دهه گذشته به شمار می رود. به نظر می رسد سال ۲۰۱۴ نیز همان مسیر را طی می کند. از آغاز سال تاکنون بیش از ۳۲۰ حکم اعدام شامل دست کم ۷ کودک به اجرا درآمده اند. آزادی چند زندانی در شهریور ۱۳۹۲ - از جمله همکار ما نسرين ستوده، وکیل حقوق

یک سال پس از انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری، روابط بین ایران و کشورهای غربی تقریباً دوستانه شده است. دیپلمات ها خوشحال هستند. حسن روحانی به عنوان «اصلاح طلب» مورد ستایش قرار می گیرد و بسیاری از روزنامه ها با بوق و کرنا از او به عنوان نقطه مقابل احمدی نژاد - که به شعارپردازی جنگ طلبانه و یهودستیزی خشونت آمیزش شهرت داشت - یاد می کنند. روحانی، با مشورت مشاوران به نسبت مطلع خود، بلافاصله پس از انتخابات گفتگوهای گسترده ای را در باره برنامه هسته ای ایران در پیش گرفت تا به رفع تحریم های پردردسر برای اقتصاد ایران دست یابد.

به گفته محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، گفتگوهای هسته ای در ژنو «سخت» هستند اما پیش می روند. بحث با آژانس بین المللی انرژی اتمی که اجازه یافته از «سایت های حساس» در ایران بازدید کند نیز در وضع مشابهی است.

رسانه ها به طور گسترده ای این گفتگوهای حساس و پیشرفت چشمگیر در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا را پوشش داده اند و از گزارش های خبری در باره گفتگوی تلفنی بین رییس جمهوری ایران و رییس جمهوری آمریکا در سپتامبر ۲۰۱۲ که بلافاصله به عنوان نقطه عطف در روابط بین المللی مورد ستایش قرار گرفت، به عنوان نشانه این پیشرفت یاد کرده اند. این بهبود در روابط با انتصاب حمید ابوظالبی، که مشکوک به مشارکت در بحران گروگانگیری ایران در سال ۱۳۵۸ است، به عنوان سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، کمی لطمه دید.

**جامعه بین المللی چشم هایش را بر وضعیت حقوق بشر در ایران بسته است، در حالی که وضعیت حقوق بشر تفاوت فاحشی با تصویر مدارا و اعتدالی که رییس جمهوری برای رسانه های بین المللی ترسیم می کند، دارد**

در آستانه سالگشت انتخاب روحانی، این فضای بهتر دیپلماتیک برای جامعه بین المللی کافی بوده تا رای تایید خود را برای رییس جمهوری ایران صادر و با کاهش تحریم ها موافقت کند.

نه به اعدام را به خواستی همگانی تبدیل کنیم



## حضور «داعش» و حقوق زنان

### فهیمة تفسیری

این، زنگ خطری برای همه دموکراسی خواهان و برابری طلبان است. برخی کارشناسان سیاسی معتقدند که نیروهای داعش، صرفاً یک گروه با اهداف مذهبی نیستند بلکه در واقع «گانگسترهایی» هستند بی جا و مکان و وامانده از کشورهای مختلف که در پوشش برقراری مقررات مذهبی خود، عمق فاجعه بار خشونت شان را پنهان می کنند. در کنار این برداشت، این تحلیل هم وجود دارد که سرخوردگی دولت های سنی مذهب منطقه از کمک های شان به «ناتو» در سقوط صدام و قذافی، باعث شده که آنان برای جلوگیری از به قول خودشان «هلال شیعی»، دست به عمل بزنند.

**گمانه زنی های اولیه از تاثیر تفوق گفتمان جنگ شیعه و سنی بر روی مسائل زنان منطقه، حاکی از کم رنگ تر شدن مسئله حقوق مدنی زنان در اغلب جوامع مسلمان منطقه است**

به رغم این تفسیرها، واقعیت این است که نیروهای جهادی داعش توانسته اند ارزش های تعصب، تبعید، غیرت، جزم گرایی مذهبی، پدرسالاری، و برداشت های سلفی از اسلام، را تحت لوای مهار «هلال شیعه» در فضای منطقه بگسترانند و از همه مهم تر، می رود که «گفتمان جنگ شیعه و سنی» را به چالش مرکزی در منطقه تبدیل سازند.

در این میان پرسش مهمی که پیش روی زنان منطقه قرار می گیرد این است که به راستی با گسترش جنگ میان «شیعه و سنی» و جایگزینی آن با چالش قدیمی «اعراب و اسرائیل»، چه تاثیرهایی بر حرکت های برابری خواهانه و مدنی زنان خواهد داشت؟ در واقع سالیان دراز - نزدیک به هفتاد سال - گفتمان «جنگ اعراب و اسرائیل» تمام حرکت های منطقه را تحت تاثیر خود قرار داده بود و هیچ نیروی سیاسی-اجتماعی در منطقه نمی توانست بدون آن که نسبت خود را با این گفتمان مشخص سازد و نشان دهد که در کدام سوی این معادله دو قطبی قرار دارد، گام مهم و ماندگاری به پیش بردارد. اما با چرخش این گفتمان و تبدیل اش به گفتمان «جنگ شیعه و سنی» باید دید که این تناسب، همچنان تداوم خواهد یافت؟ و آیا نیروهای مؤثر جنبش های زنان منطقه برای برداشتن گام های مهم و مؤثرشان، همچون قبل، ناگزیر خواهند بود که نسبت خود را اکنون با این گفتمان جدید بنیادگرایی مشخص سازند؟ و اگر باز هم چنین ناگزیری وجود داشته باشد اساساً چه دستاوردهایی خواهند داشت!

گمانه زنی های اولیه از تاثیر تفوق گفتمان جنگ شیعه و سنی بر روی مسائل زنان منطقه، حاکی از کم رنگ تر شدن مسئله

**مدرسه فمینیستی: برآمد برق آسای** نیروهای جهادی «دولت اسلامی عراق و شام» معروف به «داعش» در بخش های وسیعی از سوریه و اخیراً در عراق، اغلب دولت ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی خاورمیانه را در بهت و نگرانی فرو برده است. این نگرانی و غافلگیری به حدی است که به ضرب قاطع می توان گفت تقریباً هیچ یک از نیروهای سیاسی منطقه، تحلیل روشن و راهگشایی از برآمد این نیروهای جهادی و تاثیر حضور بلندمدت آنها در خاورمیانه ندارد.

وقوع جنبش سبز در ایران اکثریت شیعه، و بهار عربی در جوامع اکثریت سنی مذهب همچون تونس و مصر و ... سبب شد که رایحه خوش دموکراسی گرایی بر منطقه بوزد. تحت تاثیر این نسیم بیداری طبعاً وزنه ی گفتمان های دموکراتیک و مدرن از جمله حقوق شهروندی، انتخابات آزاد، برابری حقوق زنان و مردان، رواداری میان پیروان مذاهب، و ارزش های حقوق بشر، تقویت شد و به سرعت رو به گسترش نهاد. مردم بویژه نسل های جوان منطقه که تشنه ی دموکراسی بودند توانستند این گفتمان و چالش جدید (چالش میان دموکراسی با دیکتاتوری) را نسبت به چالش قدیمی و فرسایشی اعراب و اسرائیل، پُر رنگ تر سازند اما وقایع خشونت بار در سوریه، این روند مثبت در منطقه را که می توانست آینده ای بهتر برای تمامی نیروهای سیاسی و مردم کشورهای منطقه فراهم آورد، ضربه پذیر کرد و این روند را به سمت سیاهچاله ترسناکی تحت عنوان «جنگ شیعه و سنی» کشاند و بار دیگر می رود که گفتمان های جزم اندیش بنیادگرایان، بر دموکراسی خواهان، غلبه کند.

**واقعیت این است که نیروهای جهادی داعش توانسته اند ارزش های تعصب، تبعید، غیرت، جزم گرایی مذهبی، پدرسالاری، و برداشت های سلفی از اسلام، را تحت لوای مهار «هلال شیعه» در فضای منطقه بگسترانند و از همه مهم تر، می رود که «گفتمان جنگ شیعه و سنی» را به چالش مرکزی در منطقه تبدیل سازند**

به خصوص امروز، با تکثیر و گسترش ناگهانی نیروهای جهادی «داعش» در عراق، به نظر می رسد چالش نوپای «دموکراسی/ دیکتاتوری» سراسیمه خود را به نفع تقویت گفتمان خونین و جزم اندیش «تقابل شیعه / سنی» به پستوهای نمناک انفعال می کشاند. روشن است که حضور این چالش مخرب و بنیادگرا (به رغم آن که داعش بتواند بغداد را تصرف کند یا از عراق بیرون رانده شود) در منطقه ما، هر لحظه رنگ و بوی تاریخی عمیق و ماندگارتری به خود می گیرد و

حقوق مدنی زنان در اغلب جوامع مسلمان منطقه است. زمانی که گفتمان جنگ «اعراب و اسرائیل» بر گفتمان نیروهای انقلابی چپ و مذهبی، سلطه بلامنازع داشت، نماد اسرائیل که در منطقه ما با نماد غرب پیوند خورده بود، یکی از پایه های نمادین اش، حقوق و آزادی های زنان تلقی می شد.

در واقع غرب (که اسرائیل به عنوان پایگاه آن در منطقه شناخته می شد)، یکی از ویژگی ها و نمادهای نكوهیده اش برای جهان اسلام، آزادی و حقوق زنان بود از این رو مخالفت و مبارزه با حقوق زنان، به نوعی مبارزه با غرب و اسرائیل هم تلقی و تبلیغ می شد.

از سوی دیگر، یکی از نمادهای مهم هویت اسلامی بنیادگرایان در برابر غرب و اسرائیل، بر «بدن زن مسلمان» مستقر شده بود از این رو هر تحولی در منطقه، بسته به آن که در کدام سوی جبهه تقابل اعراب و اسرائیل قرار داشت، با «حقوق و آزادی های زنان» البته به فراخور نگرش و تلقی اش از بدن زن، پیوند برقرار می کرد.

اما امروز که به تدریج گفتمان هفتاد ساله ی «تقابل اعراب و اسرائیل» جای خود را به گفتمان «تقابل شیعه و سنی» می دهد، جایگاه نمادین «زن مسلمان» نیز می تواند بار دیگر تغییر یابد زیرا به نظر می رسد که زین پس آن زن مسلمان دبیور نمی تواند نمادی برای شعله ور نگاه داشتن درگیری میان دو قطب متخاصم امروز، به حساب آید. به این اعتبار است که می توان با احتیاط نتیجه گرفت که: در سایه تغییر چالش مرکزی خاورمیانه و غلبه ی گفتمان تقابل شیعه - سنی، «مسئله زنان» بویژه در کشورهای عرب منطقه، به کلی رو به افول و حاشیه نشینی بگذارد و در محاسبات سود و زیان تحولات منطقه ای، و در معادلات قدرت و سیاست درونی این کشورها، وزنه ای به حساب نیاید!

**اندیشیدن به همه این احتمالات و پرسش های بزرگ، بیش روی ما زنان منطقه قرار دارد. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، حرکت های زنان تحت تاثیر این چالش ها و گفتمان های کلان منطقه ای قرار می گیرد و از آن متأثر می شود**

اتفاق دیگری نیز ممکن است در فضای تحولات منطقه رخ بدهد و آن این که: «بدن زن» با توجه به این که از زیر سیطره نماد مبارزه اسلامی و هویتی با غرب، به طور نسبی رهایی می یابد، ممکن است بتواند آرام تر و خارج از متن درگیری های بزرگ و پُر هزینه (که زنان در آن نقشی نداشته اند غیر از آن که «ناموس» این و آن باشند)، به حرکت های خود برای تغییر تدریجی در وضعیت تبعیض آمیز کنونی، ادامه بدهد.

احتمال ضعیف دیگری هم ممکن است به وجود آید که این بار، در رقابت میان ... ادامه در صفحه ۱۲

## انتخابات آزاد و منصفانه استراتژی عبور مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی

### منوچهر مقصودنیا

است. در این مطلب کوتاه بدان نمی پردازم. جمهوری اسلامی دارای مشروعیتی مبتنی بر اراده مردم کشور که از طریق برگزاری انتخابات حقیقی، آزاد و منصفانه و بر مبنای مفهوم جهانی حق رای یکسان و مخفی تحقق یافته باشد، نیست. چرا که تاکنون هیچ یک انتخاباتی که در جمهوری اسلامی برگزار شده آزاد نبوده است. و اساسا با وجود ساختار و قوانین حاکم بر نظام که مغایر ضوابط و معیار های بین المللی می باشد، امکان برگزاری انتخابات آزاد در آن ممکن نیست.

نه "سیاست تغییر رفتار رهبری"، که سیاست و سیاست ورزی را در حد دعوی خانوادگی پائین می آورد، نه شعار "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" که بنوعی تداوم نظام را در اذهان زنده می کند، نمی توانند چنان راه کاری باشند که علاوه بر دارا بدون خصلت مسالمت آمیز، جامعه را از نظام جمهوری اسلامی عبور داده و حاکمیتی دموکراتیک بر کشور مستقر نماید.

راه کار اصلاح نظام، که با وجود قانون اساسی و ساختار توتالیتر و ایدئولوژیک حاکمیت تقریبا محال می باشد. هر راه کاری که هدف عبور از ساختار حقیقی و حقوقی استبدادی حاکم، و جایگزینی اش با ساختاری دموکراتیک را در دستور نداشته باشد، در خدمت تداوم رژیم قرار می گیرد. اما ازدرون یک انتخابات آزاد و منصفانه، در ایران دولتی بیرون خواهد آمد که با نظام جمهوری اسلامی تفاوت ماهوی خواهد داشت. یعنی جامعه وارد مرحله بعد از جمهوری اسلامی خواهد گردید. و هم تحول انجام شده دموکراتیک و مسالمت آمیز خواهد بود. آری، ویژگی دیگر این استراتژی، شکل دموکراتیک و مسالمت آمیز بودن آن است. برای این دموکراتیک است که مردم آزادانه و با حقوق برابر دست به انتخاب می زنند. مسالمت آمیز است، چرا که همه نیروها، سازمانها و احزاب دموکراتی که، معیارهای شناخته شده انتخابات آزاد و منشور جهانی حقوق بشر را پذیرفته اند، می توانند با حقوق برابر در آن شرکت نموده و تغییر و تحولات مورد نظر خود را از طریق صندوق رای عملی نمایند. کوتاه سخن، این استراتژی هم امکان تحول بنیادین سیاسی و هم عبور از نظام جمهوری اسلامی را بصورت دموکراتیک و مسالمت آمیز فراهم کرده و کسی را هم از حیات سیاسی جامعه حذف نمی کند.

### ۲ - انتخابات آزاد بعنوان راه کاری برای هماهنگی و اتحاد عمل نیروهای سیاسی

علیرغم پیشرفت های مثبت و چشمگیر صورت گرفته در جامعه سیاسی ایران، در راستای تحمل دگراندیشان، همنشینی با دیگر نحل های سیاسی، هماهنگی و همکاری بین نیروهای مختلف سیاسی، اما جامعه ما هنوز با توافقی وسیع درگستره ملی فاصله دارد. سالهاست که برای غلبه بر این معضل تلاش شده است، اما هنوز راه کار و استراتژی واحد و مورد قبول رد پهنه ملی

تعریف انتخابات آزاد و پیش شرط های لازم برای برگزاری آن در اعلامیه اتحادیه بین المجالس به دقت و با جزئیات آمده است. مانند "حق تمامی افراد برای مشارکت در اداره کشور خویش به طور مستقیم یا از طریق نمایندگان انتخابی، رای دادن در انتخابات آزاد از طریق آراء مخفی، داشتن موقعیت یکسان برای نامزد شدن در انتخابات، و بیان عقاید سیاسی به طور فردی یا در تشکل ها،"

و یا در اصل ۴ بند ۱ در خصوص حقوق و مسئولیت دولت ها آمده است: "۱. دولت ها باید با استفاده از ابزارهای مختلف مبتنی بر قانون اساسی و نیز تعهدات بین المللی خود، یک چارچوب ساختاری را برای برگزاری انتخابات دوره ای، حقیقی، آزاد و منصفانه فراهم آورند."

و اینکه چه حقوق و آزادی های فردی و شهروندی، و حقوق گروهی تشکل ها و احزاب باید وجود داشته باشند تا انتخابات آزاد عملی گردد، در این اعلامیه تشریح شده است.

عملکرد انتخابات آزاد در ایران بطور کلی، یعنی درپروسه گذر از استبداد به دموکراسی و درشرایط ویژه حاضریا وجود حاکمیت رژیم مستبد و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، چه معنی ای می تواند داشته باشد؟

اگر قبول داشته باشیم که کشورمان دوران گذار از استبداد به دموکراسی را طی می کند و یکی از ارکانهای مهم و اصلی سیستم سیاسی دموکراتیک را برگزاری انتخابات آزاد بدانیم، نتیجه می گیریم که شعار انتخابات آزاد در عین داشتن عملکرد مرحله ای، راه کاری بلند مدت و استراتژیک هم می باشد. راه کاری با عملکرد چند وجهی. یعنی علاوه بر عملکرد اصلی انتخابات آزاد که در اعلامیه اتحادیه آمده است؛ "مشروعیت هر دولتی برگرفته از اراده مردم آن کشور است که از طریق برگزاری انتخابات حقیقی، آزاد و منصفانه به صورت دوره ای و بر مبنای مفهوم جهانی حق رای یکسان و مخفی تحقق می یابد." عملکرد مرحله ای و در خدمت گذر از جامعه استبدادی به جامعه دموکراتیک را هم داراست.

### به پاره ای از این وجوه اشاره می کنم: ۱ - استراتژی دموکراتیک و مسالمت آمیز برای عبور از نظام جمهوری اسلامی

هم اکنون می توان از ۳ استراتژی برای تحول سیاسی در ایران نام برد. استراتژی "اصلاح نظام"، استراتژی سرنگونی و استراتژی تحول بنیادین دموکراتیک و مسالمت آمیز.

در مورد ۲ استراتژی اصلاح نظام و سرنگونی به اندازه کافی، در دفاع و یا نقد و بررسی اش مقاله نوشته شده

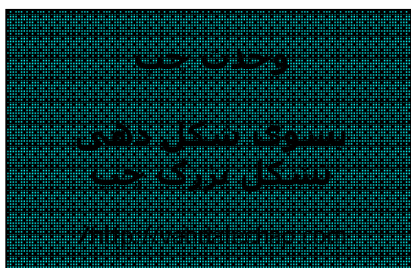
فاصله داریم. انتخابات آزاد می تواند یکی از آن حلقه های مهم گم شده برای توافق درگستره ملی باشد. راه کاری برای تحول دموکراتیک، مسالمت آمیز و ملی، که همچنین برمعیاری بین المللی استوار می باشد. تاکید کنم که بدون چنین توافق گسترده نه عبور از این نظام و نه گذر از جامعه استبدادی به جامعه دموکراتیک ممکن است. در این شرایط آنهاییکه همکاری گسترده بین نحل های مختلف فکری در راستای استقرار دموکراسی مبتنی بر منشور جهانی حقوق بشر را درست دانسته و در این راه مبارزه و تلاش می کنند، راه کار استراتژیک انتخابات آزاد، یکی از حلقه ای اتصالی مهم در این مسیر می باشد. به عبارت دیگر اگر در کنار نزدیکی و حتی اتحاد نیروهای هم جنس، ائتلاف بزرگ سیاسی از همه نحل های فکری را ضروری بدانیم، راه کار (استراتژی) انتخابات آزاد و منصفانه می تواند حلقه مرکزی توافق آن باشد. خوشبختانه امروز شعار انتخابات آزاد و منصفانه با نظارت بین المللی، ازسوی طیف های زیادی از جامعه سیاسی، چه در داخل و چه در خارج کشور مقبولیت کسب نموده است.

### ۲ - انتخابات آزاد راه کاری برای فردای بعد از جمهوری اسلامی؛

دوران گذر از استبداد به دموکراسی. پروسه ای سخت، پیچیده، نسبتا طولانی، دارای افت و خیز و همراه با هزینه های جانی و مالی می باشد. این پروسه ازدهها سال قبل در ایران شروع شده است. یعنی این پروسه قبل از حاکمیت کنونی شروع و تا مدت بعد از آن هم ادامه خواهد داشت.

جمهوری اسلامی رفتنی است. دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. اما چگونه می توان بر چرخه معیوب کنار گذاشتن نظامی استبدادی و جایگزینی اش با نظام استبدادی دیگر غلبه کرد؟ چه مکانیزمی را می توان پیدا کرد که مردم سالاری و دموکراسی را جایگزین استبداد کنونی نماید؟ چگونه می توان امید داشت که اتحاد و توافقی برای عبور از حاکمیت کنونی، فردا جایش را به دشمنی و حذف یکدیگر نخواهد داد؟ خلاصه، نیروهای مختلف سیاسی تا آنجا که ممکن است، می باید بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر و دموکراسی، برای دستیابی به توافق حداکثری تلاش کنند. طبیعی است که نمی توان بر روی تمامی ...

ادامه در صفحه ۱۲



## روابط حکومت اقلیم ...

ادامه از صفحه ۴

چنانکه گفته شد سرمایه گذاری ترکها بر روی اقلیت ترکمن نتوانست به جانی برسد و ترکمن ها نتوانستند به نیروی جدی برای ابراز وجود منافع ترکیه در عراق و اقلیم تبدیل شوند. البته ترکیه از این اقلیت برای فشار بر بویژه کردها در منطقه کرکوک استفاده می کند. در مثلث قدرت و وجود جناحهای عمده سیاسی در عراق نهایتاً ترکها در مقابل شیعیان و سنی های عرب به انتخاب کردها دست زدند. آن هم به چند دلیل: اولاً اینکه کردها همسایه دیوار به دیوار بودند، دوماً اینکه کردها از دهه نود دارای تاریخ رابطه سیاسی و تجاری با ترکیه بودند، و سوم اینکه کردها از لحاظ منش سیاسی نسبت به سایر نیروها بیشتر از ظرفیت مانور در میان همسایه ها برخوردار بودند. هم چنین بازار بکر کردستان بویژه در زمینه صدور کالا که بشدت بدان نیازمند بود، رشد شهر سازی، گسترش راهها و مهمتر از همه ایجاد صنعت نفت و تولید آن که اقتصاد ترکیه بشدت بدان وابسته بود، ترکها را کاملاً متوجه اقلیم کردستان کرد. به گزارش کردپرس به نقل از خبرگزاری آناتولی، در حالی که حجم مبادلات تجاری بین دو کشور عراق و ترکیه در سال دو هزار و هشت صد میلادی چهار میلیارد دلار بود، این میزان در سال جاری میلادی به دوازده میلیارد دلار رسیده است و شرکت های ترکیه ای در اقلیم کردستان نیز از رقبای خود سبقت گرفته اند. دلزار سلیم از مقامات وزارت صنایع و بازرگانی اقلیم کردستان عراق به خبرنگار خبرگزاری آناتولی گفته است که در این منطقه ۲۲۹۶ شرکت خارجی در حال فعالیت هستند که از این میزان ۱۱۴۸ شرکت، متعلق به ترکیه بوده و به این ترتیب ۴۸ درصد بازار کار، سرمایه و خدمات در دست ترکیه ای ها است. البته یک عامل سیاسی هم در اینجا دخیل بود، ترکیه همیشه سعی کرده که از اقلیم کردستان بعنوان نیروی برای خلع سلاح پ کاکا و یا مجبور کردن این نیرو برای وارد شدن به پروسه صلح (بدون اسلحه) با ترکیه استفاده کند.

داستان از آنجا روند بسیار جدی بخود می گیرد که مسئله نفت به میان می آید. این اهمیت برای طرفین است. هم ترکیه می تواند به تنوع تامین منابع نفتی دست یابد و هم حکومت اقلیم از اهرم دیگری در جهت فشار بر حکومت مرکزی عراق و نیز مستقل تر کردن کردستان دست بیاید. خبرگزاری آناتولی به نقل از بارزانی از اربیل نوشت حکومت اقلیم پس از دو سال مذاکره به تازگی قراردادی برای فروش نفت اقلیم کردستان عراق توسط ترکیه با دولت آنکارا منعقد کرده است.

دولت اقلیم، برای اولین بار به طور مستقل از دولت مرکزی در بغداد، و از طریق خط لوله نفت توانست سرانجام نفت بفروشد. ترکیه تا این حد کرده است که نفتکشی با بار حدود یک میلیون بشکه نفت کردستان، بندر جیحان در جنوب این کشور را به مقصد یک کشور اروپایی ترک کرده است. و این در حقیقت یک رویداد تاریخی در تاریخ کردهاست.

اقلیم کردستان عراق تاکنون نزدیک به یک و نیم میلیون بشکه نفت از طریق یک خط

لوله جدید به ترکیه صادر کرده است. آنکارا و اربیل همچنین ابراز امیدواری کرده اند تا میزان صادرات روزانه نفت را بعد از انجام توافقات لازم، به دو بیست هزار بشکه در روز برسانند (هم اکنون از صد هزار تا صد و بیست هزار بشکه در روز می باشد). و وزیر انرژی ترکیه پیشتر نیز گفته بود که درآمد ترکیه از صادرات نفت اقلیم کردستان عراق سالانه حدود پانصد میلیون دلار خواهد بود. البته ناظرانی هستند که واپستگی صدور نفت کردستان به ترکیه را مثبت ارزیابی نمی کنند و معتقد هستند با توجه به حساسیت دولت ترکیه به مسئله کرد و تاثیرات معین آن بر کشور ترکیه، می تواند این رابطه دچار خطرات متعددی در آینده شود. اما همزمان عده ای نیز معتقدند که علیرغم بالا دست بودن موقعیت ترکیه در این رابطه، اما کردستان هم بعلت داشتن نفت و رسانیدن منافع مشخص به ترکیه، برای ترکیه آسان نخواهد بود که خیلی ساده تنها بر اساس سیاست به بازتعریف مجدد خود از این روابط بپردازد.

همزمان خبر می رسد که حکومت اقلیم و دولت ترکیه به منظور افزایش مراودات مرزی، دروازه جدیدی را در مرز اوزمولو استان حکاری گشوده اند. به گزارش روزنامه حریت ترکیه، در منطقه مرزی اوزمولو در در شمال کردستان طی یک مراسم ویژه، دروازه گمرکی دشتان افتتاح شده است.

قابل توجه است که مدتی پیش رسانه های ترکیه اعلام کردند که مقامات آمریکایی ترکیه را مجاب نموده اند که گویا اقلیم کردستان مستقل در نهایت به سود ترکیه خواهد بود و مقامات ترک نیز با پیش شرط پذیرفته اند. گویا روی این مسئله تاکید شده که حتی اگر کرکوک به اقلیم کردستان ملحق شود ترکیه برای همیشه از لحاظ تأمین سوخت فسیلی بی نیاز خواهد بود. زیرا کوردستان به دریا راه ندارد و تنها راه صدور نفت کوردستان بندر جیحان ترکیه در دریای مدیترانه خواهد بود. هر چند که این خبر رسماً تأیید نشده و هرچند مخالفت کنونی آمریکا با چگونگی صدور نفت از کردستان با ترکیه که حتی به نوعی حساسیت کردها را نیز برانگیخته است، می تواند نافی خبر بالا در رابطه با توصیه آمریکائیان به ترکها در رابطه با پذیرش استقلال کردستان باشند.

لازم به ذکر است که اخیراً نچيروان بارزانی از عقد قرارداد پنجاه ساله میان حکومت اقلیم و دولت ترکیه در رابطه با صادرات نفت گفته است، قراردادی که پنج سال در مورد آن کار شده و قابل تمدید هم می باشد. در این رابطه بد نیست به گزارشی از سایت کردپرس ارجاع دهیم که می نویسد: "...نچيروان بارزانی، نخست وزیر دولت موقت و مامور تشکیل دولت جدید اقلیم کردستان چهارشنبه ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۲، به همراه اشنتی هورامی، وزیر منابع طبیعی اقلیم و شماری از معاونان و مشاوران خود در زمینه انرژی، برای تشریح سیاست های نفتی، توافقنامه های نفتی اربیل با کشورها و شرکت های خارجی و درآمدهای نفتی اقلیم در پارلمان کردستان حضور یافت.

بارزانی با قانونی و موفقیت آمیز وصف کردن سیاست های نفتی اقلیم کردستان، آشکار ساخت که توافقنامه اربیل و آنکارا در زمینه انرژی که رسیدن به آن پنج سال طول کشیده، برای ۵۰ سال است و در صورت لزوم قابل تمدید می باشد. وی با اشاره به اینکه

اقلیم کردستان بر اساس قانون اساسی عراق سیاست های نفتی خود را به پیش می برد، تاکید کرد که توافقنامه های نفتی اربیل با کشورها و شرکت های خارجی تلاشی برای اعلام استقلال اقلیم کردستان نمی باشد و اقلیم نمی خواهد از مسئله نفت بهره برداری سیاسی کند. بارزانی تصریح کرد که به دلیل سیاست های بغداد و ارسال تنها ۱۰ درصد از بودجه سالانه برای اقلیم به جای سهم ۱۷ درصدی اقلیم و همچنین یافتن راه حلی برای تامین حقوق کارمندان دولت اقلیم که از جانب دولت مرکزی عراق قطع شده، اربیل ناچار به صادرات و فروش نفت شده است. وی در خصوص موضع آمریکا در خصوص توافقنامه های نفتی اقلیم کردستان با کشورها و شرکت های خارجی اظهار کرد که واشنگتن از توافق اربیل و بغداد بر سر موارد مورد مناقشه حمایت می کند.

در این نشست وزیر منابع طبیعی دولت اقلیم کردستان عراق میزان نفت استخراجی از سوی شرکت های خارجی در اقلیم کردستان از سال ۲۰۰۳ به بعد را ۲۷۲ میلیون بشکه عنوان کرد و گفت: شرکت های نفتی جهانی تاکنون ۱۵ میلیارد دلار سرمایه را در پروژه های نفتی در اقلیم کردستان خرج کرده اند که پیشبینی می شود در چند سال آینده ۱۰ میلیارد دلار دیگر به این سرمایه اضافه شود. اشنتی هورامی با اشاره به اینکه سهم شرکت های خارجی از سود حاصل از فروش نفت اقلیم کردستان عراق ۱۵ درصد می باشد، درآمد اقلیم از فروش نفت از سال ۲۰۰۳ تاکنون را ۲۰ میلیارد دلار اعلام کرد."

### روابط بانکی

علاوه بر حضور دهها بانک خارجی و غربی در اقلیم کردستان، ترکیه نیز در زمینه بانکی حضور فعال خودش را شروع کرده است. "زراعت بانکاسی" با حضور خود روابط مالی با اقلیم را سامان می بخشد و در گسترش روابط اقتصادی و تجاری نقش ویژه خود را بازی می کند. همچنین در زمینه روابط بانکی می توان به مورد جدیدی اشاره کرد که آن نیز همانا واریز کردن درآمدهای حکومت اقلیم از فروش نفت به هالک بانک ترکیه می باشد.

### روابط نظامی حکومت اقلیم با ترکیه

حکومت اقلیم اساساً هیچ رابطه یا قرارداد نظامی آشکاری با ترکیه ندارد. آنچه ما در این سالها از بدو تاسیس حکومت اقلیم شاهدش بوده ایم همکاریهای نظامی بر اساس منافع کوتاه مدت بوده است، بعنوان نمونه همکاری دو نیروی اصلی کردستان عراق با ترکیه در سرکوب پ کاکا. ترکیه مرتب به حکومت اقلیم و بویژه حزب دمکرات و بارزانی فشار می آورد تا در سرکوب یا ممانعت فعالیتهای نظامی پ کاکا فعالیت و در هماهنگی کامل با ترکیه عمل کند، امری که کردها از آن اجتناب ورزیده اند. حتی ترکیه از طریق بیشتر کردن روابط تجاری، بازرگانی و اقتصادی با منطقه اقلیم بویژه در زمینه نفت سعی می کند که با پیش گذاشتن فاکتورهای جدید، حکومت اقلیم را بیشتر در همراهی با برنامه های خودیش تشویق کند، امری که

## انتخابات آزاد و منصفانه ...

ادامه از صفحه ۱۰

موارد مورد اختلاف به توافق رسید. چنین نیروی وسیع و گسترده ای، نمی تواند بر روی همه مسائل و چالش های پیش روی جامعه به توافق برسد. اختلاف نظر، بین نیروهای دمکرات سیاسی امر طبیعی است. اما هنر و مهارت جامعه سیاسی این است که چگونه با داشتن اختلاف نظر، برسر اشتراکات همکاری کند. از این روتلاش برای توافق بر روی تمامی مسائل پیش روی جامعه، کارساز نبوده و اختلاف برانگیزاست. ولی نباید از این عدم توافق ترسید. وی ا همکاری و اتحاد را موقوف به این نمود که بر روی تمامی راه کارها و جزئیات برنامه ای، هم نظری و توافق صورت گیرد.

چنین رویدادی عملی نیست. ولی چه مکانیزم دمکراتیکی برای حل اختلاف بین طیف های مختلف سیاسی می توان یافت؟ بشر مترقی و پیشرفته به این سوالات پاسخ داده است. اما جواب به این سوال که با اختلافات چه کنیم، سوالاتی که به همان اندازه پیدا کردن اشتراکات و توافق بر روی آنها دارای اهمیت می باشد.

راه حل، دمکراتیک و تجربه شده، می تواند چنین باشد، توافق کنیم که تصمیم گیری نهائی بر روی مفاد که بر روی آنها توافق حاصل نشده است، توسط نمایندگان منتخب مردم با برگزاری انتخاباتی آزاد و دمکراتیک، در مجلس موسسان ملی اتخاذ شود. در چنین حالتی، حتی بر روی مواردی که اختلاف داریم، توافق حاصل شده است. توافقی با شرکت همه نیروهای دمکرات. راه حل دمکراتیک صندوق رای است. قبول کنیم که داور و تصمیم گیرنده نهائی روی اختلافات، مجلس ملی ای است که نمایندگان بصورت دمکراتیک و آزاد انتخاب می شوند.

یا با هم توافق می کنیم تا با انتخابات آزاد شرکت، برنامه های خود را به رای گذاشته، و به نتایج بیرون آمده از آن تن دهیم، یا با یکدیگر چنگیده تا سرانجام قویترین نیرو بقیه را سرکوب و استبدادی دیگر حاکم شود. و این یعنی توافق عمومی در وسیعترین شکل ممکن در گستره ملی، حتی برای راه کارهای متفاوت برنامه ای و حزبی.

### ۴ - ایجاد شکاف در نظام؛

گفتمان انتخابات آزاد پتانسیل ایجاد هماهنگی و اتحاد عمل را در خود دارد. علاوه بر این، به جرات می توان اضافه نمود که گفتمان انتخابات آزاد شکاف درون حاکمیت را هم افزایش می دهد. آن بخشهایی از حاکمیت که از دایره قدرت نظام به بیرون پرتاب می شوند، بالقوه آمادگی پذیرش شعار انتخابات آزاد را دارا هستند.

یعنی انتخابات آزاد از یکسو توان متحد کردن مخالفین نظام جمهوری اسلامی را داشته و از سوی دیگر شکافهای درون حاکمیت را افزایش می دهد. ما هنوز با فروپاشی رژیم فاصله داریم.

در این دوره آن بخشهایی از نظام که توسط حلقه اصلی وسختش حذف و به بیرون پرتاب می شوند، به گفتمان انتخابات آزاد می پیوندند.

اگر چه هنوز برداشت شان از انتخابات آزاد، با اپوزیسیون که معیارهای بین المللی پذیرفته شده در ارتباط با انتخابات آزاد را مبنی قرار می دهد، فاصله دارد. اما همین گام اولیه به اندازه خود مهم است. چرا که بخشی از حاکمیت به گفتمانی، هر چند در ابتدا ناقص روی می آورد که گفتمان اپوزیسیون است. یعنی حاکمیت بخشی از پایگاهش را از دست داده و همزمان بر پایگاه اپوزیسیون افزوده می شود.

بعبارت دیگر گفتمان اپوزیسیون تبدیل به گفتمان سیاسی غالب در کشور می شود. اگر قبول کنیم که غلبه گفتمانی در سیاست گام اصلی و مهم برای تغییر و تحول می باشد، در آن صورت این رویداد به اندازه کافی برای هسته اصلی و سخت حاکمیت ترسناک خواهد بود.

### اما چرا رژیم در مرحله فروپاشی نیست؟

درست است که توان مدیریتی رژیم بشدت تضعیف شده، ولی هنوز توان کنترل بحرانها و قدرت حکومت کردن را از دست نداده است. علاوه بر این آغاز فروپاشی زمانی است که از یک سو حکومت توان کنترل بحرانها را از دست داده و از سوی دیگر نیروی سیاسی جایگزین، مورد قبول جامعه شکل گرفته باشد. اما دوره بعد از فروپاشی، و خلع قدرت حاصل از آن، بدون درد سر و هزینه نیست.

نسبت به شدت وحدت، چگونگی عبور و سطح و عمق توافقات نیروهای شرکت کننده در امر فروپاشی، این مرحله می تواند همراه با زخمهای شدید بر شیرازه و ارکانهای جامعه و یا با حداقل هزینه طی شود. در نتیجه هر نیروی ملی و آزادیخواه باید تمام توانش را بسیج کرده تا این مرحله با کمترین هزینه به سرانجام برسد. خطروفتی جدی گرفته می شود که توجه داشته باشیم، حاکمیت جمهوری اسلامی در طول حیاتش نشان داده که از هیچ جنایتی برای تداوم و بقایش کوتاهی نمی کند.

و وقتی هم که به مرحله فروپاشی برسد امکان بکارگیری خشونت لخت و سهمیگین تر دور از انتظار نیست. علاوه بر این خطر ناشی از خلع قدرت بعد از فروپاشی، خلائی که با فرو ریختن ارگانهای دولتی ایجاد می گردد، دست کمی از خطر خشونت بکار برده شده توسط حاکمان مغلوب ندارد. با ایجاد چنین خلائی، هر گروه کوچک، اما متمرکز، سازماندهی شده و خشونت طلب می تواند در دسرافین بوده و نیروهای سیاسی دمکرات متفرق را سرکوب و از شرکت در حیات سیاسی آینده حذف نماید.

بی توجهی و کم اهمیت دادن به خطرات ناشی از خلع قدرت دوران بعد از کنار گذاشتن رژیم، مقوله مهمی است که نباید جامعه سیاسی ایران بدان بی تفاوت باشد. معلوم نیست که اینبار حتما " با بیرون رفتن دیو، فرشته ای خواهد آمد".

به همین دلیل آن راه کارها و اهدافی باید در دستور قرار گیرد، که علاوه بر خصلت و عملکرد هماهنگ کننده، اتحاد آفرین و صلب کننده، خصلت دمکراتیک، مترقی و ایجابی هم داشته باشد. انتخابات آزاد و منصفانه، هر دو خصلت و عملکرد را با هم داشته و یکی از محورهای مهم و سازمان دهنده چنین توافقی می باشد.

روشن است که راه کار انتخابات آزاد می تواند آن راه کاری باشد که ما دوره فروپاشی و بعد از آنرا با هزینه کمتری طی نماییم. چرا که این حسن را هم دارد، تا بخشهایی از حاکمیت که " عاقلتر " بوده و نمی خواهند همه امتیازات بدست آورده را از دست بدهند، از هسته سخت و خشن حاکمیت جدا نماید.

جداشدن بخشی از حاکمیت در چنین مرحله ای چند امتیاز مهم دارد. الف - هسته سخت حاکمیت را ضعیف کرده و از شدت خشونت آن می کاهد. ب - از تلاشی شدن کامل نهادهای دولتی جلوگیری می کند. ج - خلا کامل قدرت را بعد از فروپاشی از بین می برد.

\* برگرفته از - اعلامیه اتحادیه بین المجالس در خصوص شرایط انتخابات آزاد و منصفانه سال ۱۹۹۴

### نگاهی به کارگران ...

ادامه از صفحه ۷

حق بیمه پرداخت می کنند که موجب زیانهای جبرانناپذیر برای کارگران و خانواده های آنها از جمله برای اعلام سوابق بازنشستگی و اعتبار دفترچه های بیمه درمانی و نداشتن مرخصی زایمان زنان کارگر می شود که بلافاصله مجبور هستند با بچه نوزاد در پشت خود سر کار بروند. همچنین کودکان کار در این خانواده ها بدون برخورداری از کمترین امکانات درمانی و معیشتی روبرو هستند. کارگران خارجی که بیشترین آنها از مناطق روستایی مرزی کشور افغانستان هستند نسبت به کارگران ایرانی سابقه کار دور کمتری دارند، از چشم کارفرمایان دور مانده اند و کارفرمایان از آنها بیشترین بهره کشی را در کار، در مورد دستمزد، بیمه کردن، ساعات کار، امکانات رفاهی و معیشتی اعمال می کنند.

کارفرمایان بعد از هر تسویه حساب، حق بیمه سهم کارگران را از دستمزد آنان کسر می کنند، ولی در پرداخت کامل آن به سازمان تامین اجتماعی کوتاهی و با تاخیر عمل می کنند و از این طریق، مشکلاتی را در دفترچه های بیمه درمانی آنها به وجود می آورند. نکته مهم تر این که، دفترچه های بیمه درمانی کارگران، فقط در درمان های جزئی نظیر سرماخوردگی قابل استفاده است و از این دفترچه ها برای درمان های پرهزینه قابل استفاده نیستند؛ زیرا لیست بیمه ای این کارگران برای چنین درمان هایی چک می شود. از سوی دیگر در بسیاری از مناطقی که واحدها و کارگاه های کوره پزخانه ها قرار دارند، یک بیمارستان و یا درمانگاه در نزدیکی کوره پزخانه وجود ندارد.

## حقوق بشر در منگه...<sup>۸</sup>

ادامه از صفحه ۸  
رییس جمهوری تازه باقی گذاشته است. قوه قضاییه تنها در مقابل خامنه ای پاسخگوست و دلیلی برای تغییر سیاست های خود در مورد آزادی های سیاسی احساس نمی کند. صلاحیت نمایندگان مجلس نیز مورد بررسی واقع می شود: شرط انتخاب آنها «پیش گزینش» به دست شورای نگهبان است، مجمعی به شدت محافظه کار که نیمی از اعضای آن منصوب رهبر هستند و نیمی دیگر دست چین قوه قضاییه او. بنابراین، حسن روحانی به تنهایی مسؤلیت عمیق تر شدن بن بست های سیاسی و اقتصادی را به عهده ندارد. در عین حال، رییس جمهور ایران برای تغییر بعضی از سیاست های سرکوبگرانه به طور کامل بی اختیار نیست، ولی آنها را تغییر نداده است.

وعده های انتخاباتی برای کاهش سانسور رسانه ها و تامین امکان فعالیت آزادانه تر برای سندیکاها در محدوده اختیار رییس جمهوری قرار دارند ولی هنوز تحقق نیافته اند. علی خامنه ای با اعلام تردید خود در باره توافق با دولت های غربی در باره انرژی هسته ای، قدرت خود را نشان داده و در عمل با حسن روحانی، که برای به راه اندازی دوباره اقتصاد ایران به شدت به این گفتگوها اتکا کرده، وارد مبارزه قدرت شده است. اگر روحانی بخواهد و رای سروصدای دیپلماتیک سال اول ریاست جمهوری دوره موفقیت آمیزی را در قدرت پشت سر بگذارد، نه تنها باید به رفع تحریم ها و دوباره سازی اقتصادی دست یابد، بلکه باید از اهرم قانون اساسی (هرچند غیردمکراتیک) و کمی مشروعیت که از مردم ایران در انتخابات سال گذشته دریافت کرده برای هدایت رژیم در جهت احترام به اساسی ترین حقوق

بشر مردم ایران استفاده کند. این وظیفه و وعده ای است که او هنوز به آن عمل نکرده است.

### عبدالکریم لاهیجی

رییس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر

تماس رسانه ای

• فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر  
FIDH: press@fidh.org  
فیس بوک

http://www.facebook.com/iddhi.fidh

• جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران  
عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر:

iddhi@fidh.org

## حضور «داعش» و...<sup>۹</sup>

ادامه از صفحه ۹  
هویت های «سنی مذهب ها» و «شیعه مذهب ها»، باز هم «بدن زنان» نشانه گرفته شود و این بار، تن زنان به عنوان معیاری برای «شدت اسلامی بودن» هر یک از طرف های معادله، مورد استفاده قرار گیرد!

نیروهای بنیادگرا مبدل خواهد شد. در صورت چنین احتمالی، زنان با چالش های جدید و متفاوتی روبرو خواهند شد یعنی اگر گاهی ندرتی از آن چالش قدیمی، نصیبی می بردند و به دستاوردهای اندک حقوقی می رسیدند، اما حالا با چرخش گفتمان کلان منطقه ای، کسب آن دستاوردهای اندک نیز با موانع بیشمار روبرو خواهد شد.

همانطور که در دوره ی طولانی گفتمان تقابل و جنگ میان «اعراب و اسرائیل»، کشورهای جزو اقلیت محسوب می شدند، برای تقویت خود و حراست از منافع ملی شان، متحد خود را در «غرب» می یافتند، و در نتیجه، ناگزیر بودند به حقوق و آزادی های زنان، بیشتر توجه کنند.

**اما امروز که به تدریج گفتمان هفتاد ساله ی «تقابل اعراب و اسرائیل» جای خود را به گفتمان «تقابل شیعه و سنی» می دهد، جایگاه نمادین «زن مسلمان» نیز می تواند بار دیگر تغییر یابد**

**اندیشیدن به همه این احتمالات و پرسش های بزرگ، پیش روی ما زنان منطقه قرار دارد. ما چه خواهیم و چه نخواهیم، حرکت های زنان تحت تاثیر این چالش ها و گفتمان های کلان منطقه ای قرار می گیرد و از آن متاثر می شود**

البته احتمال دیگری که می توان در موردش اندیشه و گمانه زنی کرد، موضع گیری رهبران کشورهای است که اکثریت جمعیت شان، شیعه مذهب اند. بی شک کشورهای با اکثریت شیعه، در منطقه خاورمیانه، به خصوص در عرصه منازعات خونین شیعه/ سنی، اقلیت محسوب می شوند، بنابراین شاید تغییر و تحول دیگری در رویکرد دولت های شیعی رخ دهد و دولت مردان شیعه، با دوراندیشی و با هدف حفظ منافع ملی شان، این بار «غرب» را متحدی برای «مهار توسعه طلبی و خشونت های طرف مقابل» تلقی کنند که در این صورت، احتمال دارد که با توجه به این متحد جدید، و حمایت تفسیرهای غیرسلفی اغلب روحانیان شیعه، وضعیت زنان در کشورهای شیعه مذهب به ناچار بهتر از خواهران شان در کشورهای سنی مذهب، بشود.

اندیشیدن به همه این احتمالات و پرسش های بزرگ، پیش روی ما زنان منطقه قرار دارد. ما چه خواهیم و چه نخواهیم، حرکت های زنان تحت تاثیر این چالش ها و گفتمان های کلان منطقه ای قرار می گیرد و از آن متاثر می شود.

طبعاً هر تغییر حتا کوچک در این معادلات، به حضور آگاهانه یکایک زنان منطقه و مشارکت سازمان یافته ی گروه های متنوع جنبش های زنان در منطقه، بستگی تام دارد.  
منبع: مدرسه فمینیستی

با این حال اگر چنین احتمالی به واقعیت تبدیل شود آنگاه چالش پیشین میان «بدن زن غربی» (به عنوان بدن آزاد و مستقل) و «بدن زن اسلامی» (به عنوان نماد هویت اسلامی و بومی)، جای خود را به موضوع مرکزی معادله جدید خواهد داد و چالش میان «بدن زن سنی مذهب» و «بدن زن شیعه مذهب» به موضوع رقابت

## استراتژی سیاسی...<sup>۵</sup>

ادامه از صفحه ۵

به باور ما انتخابات آزاد شعار فراگیر، بسیج گر و پوش دهنده نیروهای مخالف و منتقد است. از نظر ما انتخابات آزاد راه مسالمت آمیز، متمدنانه و کم هزینه گذر از استبداد به دموکراسی است. ما بر تدوین قانون اساسی جدید توسط مجلس موسسان بر پایه منشور جهانی حقوق بشر و ضامن آن تاکید داریم. مضمون و ساختار سیاسی دولت را قانون اساسی تعیین می کند. پیشنهاد ما به مجلس موسسان، جمهوری مبتنی بر دموکراسی و سکولاریسم خواهد بود که مضمون و ساختار سیاسی آن در برنامه ما گنجانده می شود. برای نوسازی جامعه برپایه دموکراسی و عدالت اجتماعی و برای سمت دهی تحولات در جهت تامین مطالبات طبقه کارگر، مزدبگیران و طبقه متوسط جدید، شکل گیری یک حزب چپ فراگیر، دمکرات و مدرن امری است ضرور. ما به برقراری ارتباط با مجامع بین المللی مترقی و بهره گرفتن از امکانات آن ها برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی جهت رعایت حقوق بشر و تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی و تقویت روندهای دمکراتیک در کشور تاکید داریم.

\* «استراتژی تحول طلبی» برای ارائه به کنفرانس پروژه وحدت چپ که در اوائل ماه ژوئیه برگزار می شود، تهیه شده است. این منشور با تغییراتی از برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگرفته شده است.

## روابط حکومت اقلیم ...

ادامه از صفحه ۱۱

را بیشتر در همراهی با برنامه‌های خودش تشویق کند، امری که تا حالا نتیجه مطلوب نداشته است و کردها عموماً با تأکید کردن بر پیشبرد مسئله کرد در طرق سیاسی، از ایجاد درگیری‌های بیشتر با پ کاکا خودداری ورزیده‌اند.

بازرانی با اظهار این نکته که مسئله کرد در ترکیه راه حل نظامی ندارد، کوشش کرده است که دو طرف درگیر را به در پیش گرفتن راهکارهای سیاسی بیشتر تشویق کند.

### گریزی به بحران سوریه

در مورد بحران سوریه، حکومت اقلیم (بویژه جناح بازرانی) و ترکیه سیاست هماهنگی را در رابطه با حکومت اسد به پیش می‌برند. اما در این هماهنگی بودن سیاست، دو موضوع می‌تواند منشأ اختلافاتی باشد که منافع هر دو سو را تهدید کند: موضوع اول مسئله کردهای سوریه می‌باشد و مسئله دوم موضوع نیروهای تندرو سنی مذهب که در سوریه علیه دولت اسد می‌جنگند، و از پشتیبانی ترکیه بهره‌مند هستند.

در مورد کردهای سوریه، بازرانی سعی می‌کند که آنان همراه با نیروهای مخالف اسد عمل کنند و کلا خودشان را در جبهه اپوزیسیون سوریه قرار بدهند، امری که تا حالا به علت تأثیر سیاستهای نیروی نزدیک به پ کاکا که عملاً قدرت را در سه کانتون در مناطق کردنشین سوریه در دست گرفته‌اند، مورد پذیرش قرار نگرفته است. حکومت اقلیم که از قدرت گرفتن نیروی در مرزهای غربی خود که باعث تنش با ترکیه شود، ترس دارد و همزمان نیروهای تندرو مذهبی سنی را به عنوان خطری جدی روی امنیت خودش حساب می‌کند از این سیاست مسلط بر کردهای سوریه ناخشنود است و می‌داند که می‌تواند پیامدهای جدی ناخواسته‌ای برای اقلیم کردستان داشته باشد.

همراهی و هماهنگی کردها در سوریه با سایر اپوزیسیون اسد می‌تواند اقلیم کردستان را از خطر وجود نیروهای تندرو مذهبی دور نگه دارد. حکومت اقلیم از تأثیر ترکیه بر این گروه‌های جهادی تندرو آگاه است و می‌داند که هماهنگی کردهای سوریه با جبهه مخالفان می‌تواند به امنیت ملی اقلیم نیز یاری رساند.

لازم به یادآوریست که با شروع بحران کنونی عراق که با هجوم نیروهای داعش آغاز شد، نیروهای نظامی اقلیم در مناطقی با نیروهای مسلح کرد سوری همکاری‌هایی داشته‌اند، هرچند که گاهی در رسانه‌ها نیز اعلام شده است که نیروهای کرد سوریه با دولت عراق نیز در بعضی مناطق همکاری‌های نظامی مشخصی داشته‌اند.

### شروع بحران جدید و تأثیرگذارهای آن بر روابط اقلیم با ترکیه

نیروهای داعش و کلا تمام نیروهای شبه نظامی موسوم به سنیان که اخیراً مناطق وسیعی از عراق را در دست گرفته‌اند، هم اکنون به عنوان فاکتور جدید و مهم دیگری

در کشور عراق خود را به نمایش گذاشته‌اند. بویژه این فاکتور جدید از این لحاظ قابل تامل است که کردستان عراق لااقل در مرحله کنونی با دولت و نیروهای نظامی عراق دیگر هم مرز نیست.

شکل گرفتن یک نیروی دیگر در مناطق سنی نشین، هم کردستان را از لحاظ ژئوپلیتیک با وضعیت جدیدی مواجه ساخته است و هم با ادامه جنگ و ناامنی در مناطق همسایه اقلیم، جامعه کردستان را کلاً از آن وضعیت آرام که بشدت بدان نیازمند بود، دور ساخته است و می‌رود در صورت تداوم آن بشدت بر روند رشد اقتصادی آن تأثیر منفی بگذارد.

اما در مورد تأثیر این بحران بر روابط ترکیه و حکومت اقلیم می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

- داعش به عنوان نیروی که ترکیه یکی از یاری دهندگان و تامین کنندگان آن در نبرد علیه حکومت اسد بود، هم اکنون بعنوان تهدیدی جدی علیه حکومت اقلیم در صحنه مطرح است،

- داعش عملاً کردستان را تهدید می‌کند و از حمله خود علیه آن سخن می‌گوید،

- ترکیه که از تبدیل شدن عراق به حیاط خلوت ایران بشدت نگران است، قدرت گیری سنیان و تضعیف شیعیان را به سود خود می‌بیند،

- ترکیه تا بحال و در جریان این بحران علیرغم داشتن منافع مشخص در اقلیم کردستان، از احتمال اقدام خود برای حفظ این منافع و به یمن آن پشتیبانی از کردها چیزی نگفته است. ظاهراً برای آنان کردستان موردی مقطعیست،

- حکومت اقلیم از این مسئله آگاه است و برای همین عملاً روی پشتیبانی ترکها حساب ویژه‌ای باز نکرده است،

- ترکیه غیر مستقیم از طریق داعش، به جنگ علیه کردستان برخاسته است،

- البته این به معنای ترک روابط تجاری و اقتصادی بویژه در زمینه نفت با کردستان عراق نمی‌تواند باشد. دولت ترکیه در شرایط وجود مداوم جنگ داخلی و بحران، به نوعی سیاست انتظار را نیز پیشه کرده است،

- ترکیه از اهرم داعش برای امتیاز گرفتن بیشتر استفاده خواهد کرد،

- نهایتاً اینکه در مرحله کنونی روابط موجود تا کنونی ادامه خواهد داشت. تغییر اساسی، بستگی تام به وضعیت کل عراق بعد از جنگ کنونی خواهد داشت. بنابراین اقلیم کردستان در دو راهی دیگری قرار گرفته است، دو راهی ای که می‌تواند بر کل نقشه روابطش با ترکیه تأثیرگذار باشد.

### نتایج چند

ظاهراً بنابر منطق حوادث تاکنونی می‌توان به نتایج زیر رسید:

- روابط شدید بازرگانی، مالی، اقتصادی و نفتی باعث تقویت و تعمیق رابطه ترکیه و حکومت اقلیم شده‌است، رابطه‌ای که بنابر منطقه عقد قرارداد پنجاه ساله می‌رود که ابعاد بسیار گسترده‌تری بخود بگیرد.

اگرچه پیشبرد این منش سیاسی بیشتر از جانب نیروهای اسلامی موجود در ساختار قدرت سیاسی ترکیه می‌باشد و احتمالاً در صورت بازگشت کمالیست‌ها و ملیون ترکیه به قدرت این منش دچار تغییراتی خواهد شد،

- ظاهراً در شرایط فعلی این روابط بر منافع سیاسی ارجحیت یافته است. آنچه در این شرایط حکم می‌راند یک پراگماتیسم سیاسی و نگرشی از طرف دولت ترکیه می‌باشد،

- ایجاد یک یگارشلی مالی - تجاری در ساختار سیاسی حکومت اقلیم که بشدت الیتهای قدرت را در فراسوی مرزها به هم نزدیک کرده است،

- کردستان از منظر اقتصادی، از ایجاد و گسترش این روابط نفع بسیاری برده است. گسترش شهرنشینی از جمله جلوه‌های آن می‌باشد.

البته همزمان باید به یک نکته نیز اشاره کرد و آن اینکه بعلت گسترش بی‌رویه این مناسبات و عدم وجود سیاست حمایتی از تولیدات داخلی، بازار کردستان بشدت از تولیدات داخلی تهی گشته و جای خود را از جمله در زمینه کالاهای مصرفی و روزانه به واردات از کشورهای پیرامونی از جمله ترکیه داده است. به عبارتی دیگر گسترش اقتصاد رانتی (به یمن تزریق درآمدهای نفتی به جامعه)، جامعه را بسوی مصرف گرایی بی‌رویه به پیش برده است،

- تعمیق این روابط بی‌گمان از سوئی دیگر به رابطه حکومت اقلیم بویژه حزب دمکرات با پ کاکا لااقل در کوتاه مدت و میان مدت ضربه خواهد زد.

و هم اکنون نیز شاهد عوارض آن در این رابطه هستیم (عدم رضایت پ کاکا از این روابط و نیز ناخشنودی حزب دمکرات از رفتار نیروهای نزدیک به پ کاکا در سوریه نسبت به طرفدارانشان)،

- ترکیه به این ترتیب جای پای مهمی در عراق برای خودش باز می‌کند، هرچند که بعلت نزدیکی اتحادیه میهنی به ایران، در خود کردستان هم این جای پا با رقیب جدی مواجه خواهد بود،

- عامل صدور نفت کردستان از طریق ترکیه به فاکتوری برای بروز اختلاف در میان اقلیم کردستان و آمریکا مبدل شده است. زیرا که آمریکا بنابر سیاستهای رسمی خود از هماهنگی کردستان با مرکز حمایت می‌کند، بویژه در بعد صدور نفت. اینکه این اختلاف تا چه حد می‌تواند برای اقلیم پیامدهای جدی داشته باشد، خود بحثی ست در جای خود دارای اهمیت خاص،

- گسترش رابطه میان ترکیه و اقلیم کردستان، فاکتور جدیدی در مناسبات نوین در منطقه می‌باشد. باید به این مناسبات توجه ویژه مبذول شود و آن را در خوانش موقعیتهای جدید در منطقه بشیوه‌ای جدی بکار گرفت،

- ظاهراً با شروع بحران جدید در عراق، روابط اقلیم کردستان و ترکیه نیز بنابر نتایج این بحران می‌تواند دچار تغییر شود. این تغییر را می‌توان هم در مسیر گسترش بیشتر روابط در صورت تثبیت دستیابی کردها به منابع نفت کرکوک ارزیابی کرد و هم در مسیر ایستائی، اگر سنی ها بتوانند مناطق تحت سیطره خود را به اضافه چاههای نفت حفظ کنند.

خرداد ۱۳۹۳

## آزادی بازار به سود قدرتمندان است پروفسور روبرت رایش



آقای پروفسور روبرت رایش، استاد دانشگاه های کالیفرنیا و برکلی آمریکا است. او در رشته های فلسفه، سیاست و اقتصاد از دانشگاه آکسفورد انگلستان فارغ التحصیل شده است.

او در هنگام تحصیل با بیل کلینتون آشنا میشود که پس از پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۹۲ در وزارت کار این کشور و همچنین به سمت مشاور رییس جمهور در سیاست های اقتصادی مشغول به کار میشود. او به عنوان یکی از ده وزیر برجسته قرن بیستم در آمریکا انتخاب میشود. آقای پروفسور روبرت رایش یکی از تاثیر گذارترین چهره های سیاست گذاری در امور اقتصاد آمریکا است. آقای مارتین ایبرمن مصاحبه زیر را با او انجام داده است: اینکه چگونه میتوان با سیاستی واقع بینانه، بازارهای سخت ساخت افسارگسیخته را هدایت نمود و تحت کنترل در آورد.

**سوال** - آقای روبرت رایش! باز هم در دو طرف منطقه آتلانتیک، دو لبه فیچی فقر و ثروت مساله مورد توجه و موضوع بحث و گفتگوی سیاستمداران قرار گرفته است. شرایط مختلف اجتماعی و همچنین وضعیت سخت اقتصادی منجر به فاصله گرفتن هر چه بیشتر دو لبه فیچی شده است و روابط موجود دو طرف را تهدید میکند. آیا زمان آن رسیده است که سرمایه داری مورد سوال قرار گیرد؟

**جواب** - اما نابرابری های اجتماعی، ضرورا ادامه و یا دنباله سرمایه داری نیستند! در بین سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۷۸ در آمریکا، یکنواختی به لحاظ درآمد ها واضح تر از امروز بود اما با این حال ما نمیخواهیم بازگشت به سالهای ۱۹۲۰ را آرزو کنیم. رکود اقتصادی در آن موقع همه انسانها را فقیر و و سرانجام به یک سطح کشانید. اما روز های بعد از جنگ واقعا روز های خوبی بود، اقتصاد به غلطک افتاد و خیلی سریع رو به رشد گذاشت، با سرعتی خیلی بیشتر از زمانهای گذشته، تفاوت سطح درآمد ها هم کم شد و بر درآمد هم می بایست مالیات بیشتری بپردازند. حتی برای آموزش و پرورش و زیر ساختهای کشور هم به اندازه کافی پول و بودجه در دست بود. در آمریکا تظاهرات ها و حرکت های حمایت از حقوق مردم آغاز شد و جنبش زنان پا گرفت و به آن اضافه گردید. همه چیز خیلی خوب و عالی نبود، اما همیشه خیلی از مردم در آن وقت به امکانات بیشتری دسترسی داشتند تا زندگی خودشان را بچرخاند.

**سوال** - و بعد ؟

**جواب** - بعد ها ما به یک دیوار برخورد کردیم. در واقع یکی از تازه ترین راههای پیشرفت، پایداری گلوبالیزه شدن است، اما یکی از ناکامی های سیاست هم همین گلوبالیزه شدن میباشد. ما مشکلات را روی هم انباشته کردیم، و در عوض مبارزه طلبی در برابر گلوبالیزاسیون و تکنولوژی رفتار ما را تغییر داده است.

**سوال** - ما میتوانیم با دو دلیل متفاوت، روند جاری را مورد نقد خود قرار بدهیم. از یک طرف شرایط موجود را مسول رشد آزادی بازار بدانیم و از طرف دیگر، سیاستهای اقتصادی که از یک ایل و تبار و خویشاوند هستند و چرخش بازار را به نفع سرمایه داران بزرگ تنظیم کرده اند. شما به این آخری اعتقاد دارید ؟

**جواب** - واژه "تنظیم" نا دقیق است که سیاست بر بازار فشار آورده باشد. اما یک بازار بدون نظم و نظام هم غیر ممکن است. اما سیاست از این گونه قوانین حمایت میکند. مشکل اساسی در این است که در سالهای پیشین، سالهای ۱۹۷۰ این قوانین پذیرفته شده اند و امروز توسط چهره های مشهور و صاحب نظر اقتصادی از آن ها استفاده میکنند. افشار میانی و کارگران همیشه کمتر از آنها سود برده یا میتوانند سود ببرند.

**سوال** - طور دیگری سوال خود را مطرح میکنم: شما در آرزوی معجزه های اقتصادی گذشته هستید و یا به آن فکر میکنید؟  
**جواب** - نه من اینگونه فکر نمیکنم که ما باید در آرزوی گذشته ها باشیم. من خواستار قوانین جدید برای قرن ۲۱ هستم که در آن زندگی میکنیم و هستیم.

**سوال** - این برای شما روشن است ؟  
**جواب** - بطور مثال، من طرفدار حمایت از کم در آمد های جامعه هستم، میشود بر درآمد های کارخانه داران و مدیران و کارگران تقسیم بندی هایی صورت بگیرد. کودکان باید از همان آغاز تولدشان حقوقی شامل آنها و آینده ای که در انتظار آنها است گردد و در آغاز ۱۸ سالگی شان بتوانند سرمایه و اعتباری داشته باشند و برای برنامه های اصلی و مهمی که دارند هزینه کنند. نسل آینده باید این شانس را داشته باشد، آینده آنها باید در دست خودشان باشد.

**سوال** - علاقه سیاست بیشتر در اشکال کلاسیک و سنتی است و خود را اینطور نشان میدهد. به دسته بندی های معمول و سنتی فکر میکند. مساله اصلی افشار میانی و کارگران هستند، بین آنها چیزی که دیده میشود بدهکاریها و تصویر آینده نا روشن آنهاست.

**جواب** - بله، اما یک سری مشکلاتی در جلو راه است که در سالهای گذشته منجر به کم شدن افشار میانی شده اند و بحران سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز به گذشته پیوسته است. حال بیشترین بار و فشار در آمریکا، بدهکاری های دانشجویان است. در

سالهای دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، هزینه های آموزش به عهده سیستم دارائی کشور بود، درست مثل شرایط فعلی خیلی از کشورهای اروپایی. اما دیگر آن زمان گذشته است.

**سوال** - شما نوشته اید: "آمریکا قدم جلو میگذارد و بقیه هم از آن پیروی میکنند"، مایل هستید در آینده، آمریکایی ها چنین استنباطی داشته باشند؟

**جواب** - کشور های دیگر هم این شانس را دارند که جلوی سرنوشت آمریکایی ها را بگیرند. ما نباید اشتباه کنیم و خودمان را در جبر گرایی ها محدود نماییم. کاملا نادرست است که مدل و نمونه آمریکا، نشانه و الگوی سرمایه داری جهانی شود. اما وقتی که کشور ها راه دیگری را پیشنهاد دارند باید با هم به تفاهم برسند. قدرت سرمایه فوق العاده است و نابرابری های اجتماعی، جامعه را به دو بخش گروه های کوچک و بزرگ سرمایه دار تقسیم میکند که گروه های کوچک همیشه قسمت کوچکی از کیک را دریافت خواهند کرد و همیشه در برابر ریسک های برگ فرار میگیرند. جدایی ها در بازار کار اروپا قابل انعطاف است، اما قابل تشخیص نیز میباشند، بیشتر از همه، شرکت های بزرگ سود بیشتری میبرند. آنها این حقوق را دارند که کارگران را اخراج نمایند و یا به کارهای نا منظم منتقل نمایند. به این معنی، قدرت زیاد برای قدرتمندان، و سیاست ریاضت اقتصادی هم شرایط را بد تر کرده است.

**سوال** - در حال حاضر، دقیقا از همین سیاست صرفه جویی به دلایلی حمایت میشود. که برای جهش اقتصادی خیلی هم ضروری به نظر میرسد. کسی که رشد اقتصادی و موقعیت شغلی میخواهد باید برای بودجه اداره زندگی هم جوابگو باشد. و کسی که جوابگو بودجه و امکانات زندگی است، باید صرفه جویی اقتصادی را هم انجام بدهد.

**جواب** - من بر خلافش را میبینم: صرفه جویی اقتصادی تولید بیکاری بیشتری کرده است. این عمل، انسانهای زیادی را به تصمیم گیری های عده معدودی از کارشناسان و برگزیدگان وابسته میکند، اما اثر این سیاست بی نتیجه هم نخواهد ماند، سیاست صرفه جویی اقتصادی یک تصمیم گیری آگاهانه است و رشد روی رشد ادامه پیدا میکند و سوال نمیشود که چه کسی در آخر برنده این شرایط است و منفعت آن را می برد. من شک ندارم که دفاع از حقوق و نابرابری های اجتماعی، بار دیگر به موضوع اصلی سیاست ما تبدیل شود.

**سوال** - دو تیغه ...

ادامه در صفحه ۱۶

## آزادی بازار ...

ادامه از صفحه ۱۵

فیچی میزان در آمد ها در سالهای قرن بیستم خیلی از هم فاصله گرفت، زیرا همیشه دو باره بحران جدیدی در وسط بود. بحران اقتصادی سالهای ۱۹۳۰ توسعه را نا بود کرد و مردم زیادی را به فقر کشانید. جنگ دوم جهانی به اقتصاد جهانی همدل زد و آنرا به حرکت در آورد، آیا مارکسیست ها حق داشتند که گفتند: تغییرات در شرایط بحرانی صورت میگیرد؟

**جواب - نه!** در سال ۱۸۸۰ اتو بیسمارک از کشور آلمان بطور اساسی اقدام به تشکیل دولتی با سمت و سوی سوسیالیستی نمود، اقدام او ارتباطی به یک بحران اقتصادی نداشت و یا اینکه از درون یک جنگ و درگیری نتیجه نداده بود.

نظر بیسمارک بر این بود که فاصله ثروتمندان و فقرا میتواند منجر به قدرت گیری سوسیالیست ها شود. او کاملاً آگاه بود که یک نظم و اقتصاد پایدار میتواند مسائل اجتماعی یک کشور را بخوبی حفاظت کند. در آمریکا هم جنبش "پیشرفت" در قرن بیستم پا گرفت که خیلی شبیه همانی بود که در آلمان بوجود آمد که علیه قوانین مالیات ها بود که فقط بنفع شرکتهای بزرگ اقتصادی طراحی شده بود و همچنین در مورد سالم سازی سیاست و در حمایت از حقوق کارگران هم بود که این برنامه اصلاحاتی، ارتباطی به وجود یک بحران اقتصادی نداشت، بلکه برای دست یابی به امکانات بیشتری بود که طرفداران اصلاحات میتوانند تاثیر گذاری بیشتری داشته باشند.

من بخوبی به نتیجه تاریخی آن توجه دارم، وقتی که به آینده فکر میکنم، آنها

به من امیدواری میدهند.

**سوال -** شما هم پیشتر از این بر این نظر بودید و تاکید کرده بودید که: "ما به زمانی برمیگردیم که پادو های اشراف باجگیر و دزد، روی میز های سیاستمداران، پول های رشوه را خالی میکنند". حال این امیدواری از کجا آمده است؟

**جواب -** من اعتقاد ندارم که در آمریکا و اهداف سیاسی (تی پارتی) میل و بازگشت به عقب دیده میشود. اما نباید فراموش کنیم که این واکنش های ارتجاعی نتیجه برنامه "نجات وال استریت بود".

این شرایط برای چپ ها باعث شور و شوقی شد و در سال گذشته رشد تصاعدی سیاستمداران چپ از جمله شهردار نیو یورک "بیل بلاسیو" و یا سناتور "الیزابت وارنر" به بالاترین مقام های اداری انتخاب شدند را دیدیم. همیشه تعداد زیادی از انسانها در گیر انحصارها و امتیازهای ویژه آنها و دیگر قدرتهای اقتصادی هستند.

**سوال -** توماس پیکتی خیلی کوتاه در باره تیغه ثروت و فقر در بخش اقتصاد کتاب خود از سالهای گذشته نوشته است: او تصویری از رشد ۳۰ کشور ارائه داده است و نشان میدهد که از سالهای ۱۸۰۰ فاصله ها دائماً در حال زیاد شدن است و فاصله ها غیر قابل قیاس و بسیار متفاوت میشوند، در حالیکه این تغییرات دائماً در همه زمان و از اینکه چه کسانی در قدرت باشند همچنان ادامه دارند و هر دوی شما پیش بینی واحدی دارد اما نظر شما در مورد تغییرات کوتاه احتمالی یکی نیست.

**جواب -** من نمیگویم توجه زیادی به نظرات احساسی توماس پیکتی داشته باشیم، با این وجود اوتنها راه خروج از بحران را خروج از شرایط کنونی میداند و من اعتقاد دارم که تاریخ این حق را به من میدهد که بگویم سرمایه داری دموکرات، اقدام به تصحیح

خودش میکند. انسانها تا جا هایی میتوانند از خود صبر و شکیبایی نشان دهند، و نا برابری های اجتماعی هم تا حدودی میتوانند دوام بیاورند.

خیلی از قوانین و لویایح مربوط به در آمد های بازار آزاد، بطوری در "کنگره" کوتاه و کم شده اند. ما به این نتیجه رسیده ایم که آزادی بازار، پیشتر از همه به قدرتمندان کمک میکند و کوچکتر ها در جهان گلوبال سودی نمیبرند.

**سوال -** شما باور دارید که خیلی از آدمهای کوچک میتوانند خیلی تغییرات کوچکی در جهان بوجود بیاورند؟

**جواب -** من نظر مثبت دارم، زیرا هیچ آلترناتیوی هم نمی بینم.

**سوال -** این یک جور جبر گرایی را تداعی نمی کند؟

**جواب -** همطور است: ما نمیتوانیم مثل آنچه که تا کنون انجام داده ایم ادامه دهیم. ما با آینده ما یک جوری همبازی شده ایم که میتواند خیلی خوش آیند و مورد طبع و پسند ما نباشد.

بحران های سیاسی همیشه غیر قابل محاسبه هستند، شاید چپ ها برنده شدند، اما شاید هم راست ها. و هیچ ضمانتی هم برای اصلاحات وجود ندارد. در سالهای جنگ اول جهانی و دهها سال بعد از جنگ دوم جهانی، سیاست خیلی واقع بین شده است و این یک ایده ال است که امروز میتوانیم از افراط گرایی ها خودمان را نجات بدهیم.

منبع: مجله آلمانی: گفتگو ها Das Debatten-Magazin

ترجمه: رضا کاویانی

## رنج ما کجا و ...

ادامه از صفحه ۶

دیدار و بودن با پدر، کودکی ام را به تاراج و بر باد رفته گذراندم، خواهران من چه کردند و سرگرم چه بازی کودکانی ای بودند؟ زمانی که مادرم با دردی بیش از درد زاییدن مرا زایید، مادران دیگر چگونه در آرامش زاییدند و فرزند بزرگ کردند؟

به این می اندیشم که من چگونه با مهد از صلح بگویم در حالی که او با تمام وجود کودکانه اش در آتش کینه و بی عدالتی و انتقام گیری جاهلانه می سوزد و حتی یک فریاد هم نمی تواند بزند.

چگونه در فردای روز سخت، او را به آشتی ملی فرا بخوانیم در حالی که دیگر تن رنجور و ضعیفش که دختری تکیده است، توان زخم و درد دیگر را ندارد. باید خاموش و لال باشم. صلح و آشتی با واژه های زیبا به وجود نمی آید، با عمل صادقانه و با اعتماد به وجود می آید و من فارغ از رفتار نابخردانه حکومت، چه کرده ام که بتوانم در کنار این عزیزان بایستم و در چشمان زلالشان نگاهی پر مهر بیفکنم؟

در حال نفرین و لعنت خدوم هستم که مادرم می آیند. مادری تکیده که بسیار شبیه مادر ستار است. مادر جمشید و جهانگیر و حامد هم آمدند اما مادر کمال نیست.

اشک آنچنان از گونه های مادران می غلظد و بر دامن می چکد که سیل اشک بر گونه هایشان چون آینه، نور خورشید را به چشمان کور ما منعکس می کند تا شاید این اشک ها دیده های ما را باز بگشاید.

پاهایم می لرزد، پا پیش می گذارم تا بیوسمشان، گونه ها را بر روی هم می گذاریم، صورت مادرها خیس است از اشک و صورت من خیس است از شرم.

با زبان کردی سخن می گویند، زبان کردی بلد نیستم ولی با احساسم همه را می فهمم. آنها درد مادرانی را فریاد می زنند که فرزندانسان، پاره های تنشان، پای چوبه اعدام اند. فرزندانمان را اعدام نکنید.

## آدرس پستی:

L.G.e.v

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

شماره حساب بانکی:

دارنده حساب بانکی: L.G.e.v

شماره حساب: ۲۲۴۴۲۰۳۲

کد بانک: ۳۷۰۵۰۱۹۸

نام بانک:

Stadtparkasse Köln-Bonn

IBAN: DE33 37050198 0022 442032

SWIFT-BIC: COLSDE33

آدرس تماس با پست الکترونیک: karrooznamehi@gmail.com